

جان آبر

کتابخانه دانشجویی
سبع دانشجویی دانشکده ادبیات
اسفند ۱۳۸۶



شیر و آب



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی

شماره هفتم / اسفند ۱۴۰۰

مدیر مسئول: مهدی رجبعلی

طراح جلد: محمد توحیدی

شورای سردبیران: فاطمه امیری، سپیده رضایی

صفحه آرا: فاطمه طهماسبی

ویراستاران: محمدعلی چراغی، فاطمه امیری



سخن سردبیر

مایع حیات به سمت نیستی

اخبار گوناگونی که این روزها مدام به گوش می‌رسد، هر بار افکار را مشوش تر می‌سازد. و این آغازیست برای پایان ما ...

بسیاری معتقدند اگر مقرر شود جنگ جهانی سوم رخ بدهد، بر سر آب خواهد بود .

و ما یعنی، تیم مدیریتی جدید واحه با قرار دادن این موضوع به عنوان پرونده اصلی شماره هفتم در اسفند ماه ۱۴۰۰، خواستار نشان دادن توجه خود به این مسئله بودیم و تا حد توان سعی کردیم به این موضوع بپردازیم .

ضمن اینکه، تغییر و تحولات جدی و اساسی در تمام ابعاد نشریه صورت گرفته که امید است مقبول نظر شما گرامیان قرار گیرد و در این راه از تمامی دوستان خواستاریم تا کاستیها و نقص های ما را گوشزد کرده و در این مسیر همراه ما باشند .

در دیگر پرونده های این شماره برآنیم تا از موضوعاتی سخن به میان آوریم که از مهم ترین چالش های عصر حاضر شمرده میشوند و در این راه واحه مدیون و مرهون کسانی است که کمک خود را از ما دریغ نکردند .

تشکر ویژه ما از دو استاد گران قدر، جناب آقای دکتر شجاعی مهر و همچنین حجت الاسلام والمسلمین حسین میرزایی نماینده اصفهان در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی عضو کمیسیون فرهنگی و نماینده کمیسیون فرهنگی در کمیسیون اصل ۹۰

به علاوه تمام عزیزانی که از چهار گوشه ایران عزیز به همراهی ما شتافتند

ایده‌ی دانشگاه گام دوم

سجاد میرزایی / کارشناسی حقوق دانشگاه علامه طباطبایی

شرایط کشور ما باشد، باید «ایده‌ی دانشگاه گام دوم» را مطرح کنیم. آنچه در ذیل می‌آید، مقدمه‌ای است بر بحثهایی درباره‌ی آنچه از نهاد دانشگاه در گام دوم انقلاب متوقع است. در اینجا مختصری از ایده‌ی دانشگاه گام دوم را خواهیم گفت و ارزیابی وضع موجود، افق وضع مطلوب و تطبیق آن با نمونه‌های خارجی را به مجال‌های بعدی وامی‌گذاریم.

ایده‌ی مرکزی دانشگاه

دانشگاه یکی از دو بازوی آموزش عالی بعد از حوزه است. ایده‌ی اصلی دانشگاه، پرورش نیروی انسانی کارآمد در حوزه‌های مختلف مطابق با اهداف کشور است. بنابراین باید در شاخص‌های نام‌برده در زیر، وضعیت مناسب داشته باشد: مدیریت دانشگاه

باید اندیشه‌ی مطابق با اهداف نظام و انقلاب بر مدیریت دانشگاه حاکم باشد و مدیریت دانشگاه، خود پیگیر این اهداف در دانشگاه متبوعش باشد؛ چه در سطح وزارت علوم چه در سطوح مختلف دانشگاهی. اصلاح مدیریت دانشگاه، اصلاح بخش‌های دیگر را فراهم خواهد آورد.

دانشجو پیش از دانشگاه

آموزش و پرورش به عنوان متولی تحصیلات عمومی، باید همکاری متقابلی با دانشگاه داشته باشد. هم آموزش و پرورش در راستای کارآمدسازی نظام خود و در پی آن کارآمدسازی دانش‌آموزان فعلی و دانشجویان بعدی دست به کار شود، هم دانشگاه به لحاظ نظری و عملی



نگاهی کلی به ایده‌ی مرکزی دانشگاه در گام دوم انقلاب اسلامی

درباره‌ی مفهوم‌شناسی و معناشناسی دانشگاه، سخن بسیار می‌توان گفت؛ از جمله:

ایده‌ی دانشگاه

دانشگاه، آنچه باید باشد و نیست

تفاوت میان ایده‌ی آلمانی دانشگاه به‌عنوان نهاد علم با آنچه در ایران وجود دارد

آیا دانشگاه در ایران نهاد علم است؟

آسیب‌شناسی وضعیت فعلی نهاد دانشگاه در ایران

نسبت دانشگاه با جامعه و کشور

چرا دانشجو در مسیر درستی قرار ندارد؟

برای اصلاح دانشگاه چه باید کرد؟

برای یافتن پاسخی درخور به این سوالات که متناسب با



همراه با حوزه به کمک آموزش و پرورش بیاید. نودانشجو، باید حداقل‌های علمی-عملی، آموزشی-پرورشی را داشته باشد.

دانشجو در دانشگاه

دانشگاه باید محیط کار و تلاش جدی باشد؛ هم در دانش، هم جز آن - که مسائل تشکیلاتی، فرهنگی، اقتصادی و سبک زندگی باشد - بنابراین گزینش و پذیرش دانشگاه باید حساب‌شده، دقیق و البته منصفانه باشد.

دانشجو پس از دانشگاه

دانشجو پس از پایان تحصیلات نباید به حال خود رها شود. در واقع دانشگاه به عنوان بستر نیروسازی و کادرسازی، باید بتواند زمینه‌ی اشتغال او به کار و خدمت را در جاهای مقدور فراهم کرده یا او را راهنمایی کند.

جنبش دانشجویی

جنبش دانشجویی (اعم از تشکلات اسلامی، کانون‌ها، انجمن‌های علمی، انجمن‌های صنفی و...) بستر خودجوش و دانشجویی کادرسازی و نیروسازی دانشجویان به شیوه‌ی تشکیلاتی می‌باشد؛ لازم است با ساماندهی نظری و عملی، برنامه‌ریزی دقیق و تجهیز و تامین، ظرفیت این تشکلات برای پیشرفت نظری و عملی دانشجویان در حد ممکن فعال شود. الگوی فردای نظام حکمرانی ایران، تشکیلاتی خواهد بود؛ بنابراین موضوع جنبش دانشجویی چیزی نیست که



بتوان از آن غفلت کرد.

سبک زندگی دانشجویی

دانشجویی به صرف عنصری منفعل که فقط طوطی‌وار درس‌ها را می‌خواند و پاس می‌کند نیست؛ دانشجو، دانش‌آموز و طلبه، به مفهوم واقعی باید زندگی کنند. به دست آوری مهارت‌های زندگی و شغلی، روابط اجتماعی و خانوادگی، فراهم دیدن بستر برای تشکیل خانواده و فرزندآوری به موقع، مبنا قرار داشتن معنویت و اخلاق، بنای نظام فکری بر مبانی اسلامی و... از ویژگی‌های سبک زندگی دانشجویی است که اگر حل و فصل شود، بسیاری از مشکلات دانشگاه و حتی جامعه حل خواهد شد.

سیره‌ی علمی دانشجویی


در بحث دانش جستن، جدای از شایستگی‌ها و شرایط استاد و کتاب (که البته آن هم باید مطلوب باشد)، دانشجویی برتر به آنچه در درس استاد و کتاب درسی او آمده بسنده نمی‌کند؛ به ویژه در شرایط فعلی که درس‌ها و واحدها، گهگاه کامل تدریس نشده و مشکلاتی به وجود می‌آید، دانشجو، خود باید پیگیر مطالعه در رشته‌ی خود بوده، از منابع گوناگونی استفاده کرده و نگاهی هم به موضوعات دیگر به ویژه موضوعات دینی داشته باشد تا جامع‌نگر بار بیاید.

در پایان، آنچه گفتیم نکته‌ای از هزاران بود و هر بخش، به شدت قابل تفصیل است. نیاز است پیرامون مباحث گوناگون مرتبط با آینده‌ی نظام و انقلاب در گام دوم، از جمله دانشگاه، بحث، گفتگو و تحلیل شود؛ یادداشت حاضر صرفاً درآمدی بر ایده‌ی دانشگاه گام دوم می‌باشد. به امید تحقق گام دوم انقلاب و دولت جوان حزب‌اللهی.



سیالسی

منابع آب در ایران و جهان

ملیکا کرمی / کارشناسی جامعه‌شناسی 

وضعیت آب در جهان

آب شیرین نه یک منبع جهانی، بلکه منبعی منطقه‌ای محسوب می‌شود که در حوزه‌های آبخیز خاصی از جهان دسترسی پذیر بوده و به دلیل محدودیت آن به اشکال مختلفی یافت می‌شود. در برخی از حوزه‌های آبخیز این محدودیت‌ها فصلی هستند که به قابلیت و توانایی ذخیره‌سازی آب در دوره‌های خشک وابسته است. در سایر مناطق، محدودیت‌ها متأثر از میزان تغذیه‌ی دوباره‌ی سفره‌های آب زیرزمینی، میزان ذوب برف یا ظرفیت خاک جنگل‌ها برای ذخیره‌سازی آب است.

ماهیت منطقه‌ای منابع آب، مانع از تصویب بیانیه یا عهدنامه‌ای (کنوانسیون) ویژه توسط جامعه‌ی جهانی برای آن شده است؛ بیانیه‌ای که به طور فزاینده عمق نگرانی‌های بشر را در این خصوص باز می‌تابد. آب، کالایی منحصر به فرد و ماده‌ای بسیار حیاتی است؛ محدودیت‌های این ماده‌ی حیاتی ظرفیت‌های سایر منابع حیاتی از جمله غذا، انرژی، ذخایر ماهی و حیات وحش را تحت فشار قرار می‌دهد. استحصال (برداشت) سایر منابع از جمله غذا، مواد معدنی و فرآورده‌های جنگلی نیز به تناسب مقدار کمی و کیفی منابع آب می‌تواند محدود شود. در شماری از حوزه‌های آبخیز جهان محدودیت‌های آب آشکار شده است. در برخی از فقیرترین و ثروتمندترین کشورهای جهان نیز سرانه‌ی استحصال آب به دلیل مسایل زیست‌محیطی، افزایش هزینه‌ها و کمیابی درحال کاهش است. توزیع جریان‌های آبی نیز در سطح جهان نامتعادل است و با توزیع جمعیت تناسب ندارد.

از مجموع کل آب‌های جهان، ۴/۹۷ درصد آن را آب شور دریاها و اقیانوس‌ها تشکیل می‌دهد که به دلیل شوری در عمل قابل استفاده نیست؛ به این ترتیب از مجموع منابع آبی جهان، ذخایر آب شیرین تنها ۶/۲ درصد کل حجم ذخایر آب‌های سطح زمین را شامل می‌شود که بخش اعظم آن به صورت یخ در قطب‌های کره‌ی زمین و یخچال‌های طبیعی (۱/۹۸ درصد) و آب‌های زیرزمینی (۰/۵۹ درصد) وجود دارد که در دسترس نیست؛ بنابراین از مجموع آب‌های کره‌ی زمین تنها ۰/۱۴ درصد آب قابل استفاده بوده و در واقع حیات آدمی وابسته به همین مقدار اندک آب است. از این مقدار نیز حدود ۰/۰۱ درصد، آب موجود در اتمسفر، رودخانه‌ها، گیاهان و جانوران، ۰/۰۵ درصد رطوبت خاک و ۰/۰۰۷ درصد آب شیرین موجود در دریاچه‌ها است.

میزان آبی که سالانه از اقیانوس‌ها تبخیر می‌شود حدود ۴۲۵ هزار کیلومتر مکعب است که بخش اعظم آن به صورت بارندگی به اقیانوس‌ها بر می‌گردد و تنها حدود ۴۰ هزار کیلومتر مکعب به صورت نزولات جوی در خشکی‌ها تخلیه و به صورت روان‌آب از طریق رودخانه‌ها و جریان‌های زیرزمینی دوباره به سوی اقیانوس‌ها جاری می‌شود.

به این ترتیب مشاهده می‌شود، به رغم اینکه بخش اعظم سطح زمین را آب پوشانده، تنها بخش اندکی از آن برای بشر قابل استفاده است و در حقیقت تمام برنامه‌ریزی‌های بشر باید با توجه به این محدودیت‌ها صورت پذیرد.



سوگیری شرقی-غربی و رشته کوه زاگرس با سوگیری شمال-غربی - جنوب شرقی در آن قرار گرفته‌اند. این دو رشته کوه همانند دیواره‌ای مانع رسیدن ابرهای باران‌زا از شمال و غرب کشور می‌شوند و به همین دلیل نیز بخش اعظم کشور را مناطق خشک و نیمه‌خشک تشکیل می‌دهد. کمبود منابع آبی همواره به عنوان یک عامل محدودکننده‌ی فعالیت‌ها در کشور مطرح بوده است .

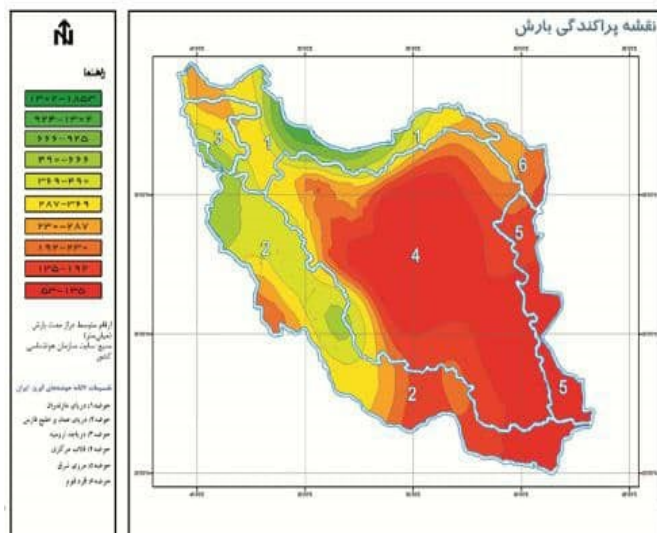
توزیع مکانی آب در ایران به دلیل شرایط طبیعی بسیار ناهمگن است. توزیع زمانی نزولات جوی در کشور نیز مانند توزیع مکانی روند مشابهی را نشان می‌دهد و میزان آن در سال‌های مختلف و حتی فصول مختلف متغیر بوده؛ این مساله، مشکلات گوناگونی را در چند سال اخیر برای بخش‌های مختلف، به‌ویژه بخش کشاورزی و تامین آب شرب شهرها به همراه داشته و زیان‌های فراوانی را به این بخش تحمیل کرده است. حتی توزیع نامناسب زمانی بارش‌ها طی سال‌های نرمال

نیز از تنگناهای جدی محدودیت منابع آب ایران

است و این معضل در سال‌های خشک تشدید می‌شود. به عنوان نمونه، در مناطقی که از نظر بارش

نزولات جوی در زمره‌ی مناطق پرباران طبقه‌بندی می‌شوند، در برخی ماه‌های سال، کم‌آبی هویداست. تحلیل زمانی نزولات جوی بیان‌کننده دامنه‌ی تغییرات زیاد آن، از سالی به سال دیگر است. جدول شماره-ی ۲ حجم حاصل از ریزش‌های جوی را در حوزه‌های آبریز کشور نشان می‌دهد.

با توجه به روند رشد جمعیت کشور و تشدید نیاز بخش‌های گوناگون، افزایش مصرف آب بخش شهری، روستایی و صنعتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. آب در فرآیند توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و



از سوی دیگر، توزیع و پراکنش این حجم محدود آب نیز در سطح کره‌ی زمین بسیار ناهمگون است؛ توزیع مکانی و زمانی آب بسیار متغیر بوده و منطبق با پراکنش جمعیت و نیاز جوامع بشری به آب نیست. میزان آب مصرفی انسانی (آبی که برداشت می‌شود اما به رودخانه‌ها یا آب‌های زیرزمینی باز نمی‌گردد زیرا تبخیر یا در گیاهان و فرآورده‌های کشاورزی ذخیره می‌شود) حدود ۲۲۹۰ کیلومتر مکعب در سال است. حدود ۴۴۹۰ کیلومتر مکعب نیز برای رقیق کردن و کاهش آلودگی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ حاصل جمع این دو، ۶۷۸۰ کیلومتر مکعب در سال است که نیمی از مجموع آب‌های روان پایدار (آب شیرین) کره‌ی زمین را تشکیل می‌دهد. چنانچه میانگین تقاضای سرانه‌ی آب به هیچ عنوان تغییر نکند و جمعیت جهان براساس پیش‌بینی‌های سازمان ملل به نه میلیارد نفر در سال ۲۰۵۰ برسد، آبی که بشر برداشت می‌کند حدود ۱۰۲۰۰ کیلومتر مکعب، چیزی در حدود ۸۲ درصد آب‌های شیرین روان کره‌ی زمین خواهد بود. اگر افزون بر جمعیت، تقاضای سرانه نیز افزایش یابد، محدودیت شدید آب در سطح جهان پیش از سال ۲۱۰۰ نمایان خواهد شد .

*وضعیت آب در ایران

ایران سرزمینی کوهستانی است که دو رشته کوه البرز با



فرهنگی کشور نقش عمده و کلیدی دارد. افزایش تولیدات کشاورزی و امنیت غذایی، توسعه‌ی مراکز جمعیت شهری و روستایی و بهبود و ارتقای کیفیت زندگی در گروهی انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم و هماهنگ در ابعاد مختلف توسعه و بهره‌برداری از منابع آب است .

منابع آب تجدیدشونده‌ی کشور با توجه به وضعیت بارندگی، پوشش گیاهی و سایر عوامل تاثیرگذار در حجم نزولات جوی، حدود ۱۳۰ تا ۱۳۹ میلیارد متر مکعب در سال است که حجم برداشت-ذیر - با احتساب آب‌های برگشتی حدود ۱۲۶ میلیارد متر مکعب برآورد می‌شود. از کل آب‌های تجدیدشونده حدود ۱۰۵ میلیارد متر مکعب را جریان‌های سطحی و ۲۵ میلیارد متر مکعب را جریان‌های نفوذی به منابع زیرزمینی تشکیل می‌دهند.

در حالی که متوسط حجم کل آب سالانه‌ی کشور رقم ثابتی است، تقاضا برای آب به علت رشد جمعیت، توسعه--ی کشاورزی، شهرنشینی و صنعت در خلال سال‌های اخیر، متوسط سرانه-ی آب تجدیدپذیر در کشور را کاهش داده است به طوری که این رقم در سال ۱۳۴۰ حدود ۵۵۰۰ متر مکعب بوده، در سال ۱۳۵۷ به حدود ۳۴۰۰، در سال ۱۳۶۷ به حدود ۲۵۰۰ و در سال ۱۳۷۶ به حدود ۲۱۰۰ متر مکعب کاهش یافته است. این میزان با توجه به روند افزایش جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵ به حدود ۱۷۵۰ تنزل یافته است و در افق سال ۱۴۰۰ به حدود ۱۳۰۰ متر مکعب نیز تنزل خواهد یافت. صرف-نظر از تفاوت-های آشکار منطقه-ای در کشور و طیف گسترده‌ی مناطق خشک نظیر سواحل خلیج فارس و دریای عمان، نیمه-ی شرقی کشور از خراسان تا سیستان و بلوچستان و نیز حوزه‌های مرکزی که میزان سرانه‌ی آب تجدیدپذیر در آنها از میزان متوسط کشور به مراتب پایین-تر است، ارقام متوسط سرانه‌ی آب کشور در سال‌های آینده به مفهوم

ورود ایران به مرحله-ی تنش آبی و کم‌آبی خواهد بود . برداشت بی-رویه-ی آب از آب‌های زیرزمینی یکی دیگر از مسائل اساسی کشور در بخش آب به شمار می‌آید که در حال حاضر مشکلات جدی‌ای را در کشور پدید آورده است. به همین دلیل نیز در بسیاری از نواحی کشور سطح سفره‌های آب زیرزمینی افت کرده و با توجه به خشکسالی‌های اخیر، افزایش بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی تشدید شده و خسارت-های جبران-ناپذیری را بر منابع آبی زیرزمینی کشور وارد آورده است .

در کنار کاهش کمیت منابع آب، انتشار پساب‌های صنعتی، کشاورزی و شهری نیز از دیگر عوامل تهدیدکننده‌ی منابع محدود آب کشور به شمار می‌آیند. هر چند در خلال سال‌های گذشته به ویژه برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، اقدام‌های قابل قبولی برای تصفیه‌ی پساب‌های شهری و صنعتی صورت گرفته و مبین توجه دولت به حفاظت از کیفیت منابع آب است اما با توجه به افزایش جمعیت کشور، گسترش شهرنشینی و توسعه-ی فعالیت-های صنعتی و کشاورزی ضروری است تا اقدام‌های صورت گرفته از شتاب بیشتری برخوردار شوند.

با فرارسیدن سده‌ی بیست و یکم و هم‌زمان با افزایش جمعیت به ویژه در کشورهای در حال توسعه، تقاضا برای آب به منظور تامین نیازهای جمعیتی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. این موضوع به خصوص در مناطقی از جهان که به صورت طبیعی همواره با کمبود آب مواجه بوده‌اند، بیشتر حائز اهمیت است . همان-گونه که عنوان شد، توزیع مکانی آب در جهان بسیار نامتوازن است و به همین دلیل نیز میزان دسترسی و سرانه‌ی مصرف آن نیز تفاوت-های فاحشی را در میان مناطق گوناگون جهان نمایان می‌سازد .





در مجموع:

پایدار مواجه خواهند شد .

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های کمبود آب، خشکیدن رودخانه‌هاست که اکنون در شماری از رودخانه‌های مهم جهان مشاهده می‌شود و به همین دلیل افرادی که در انتهای سرشاخه‌های این رودخانه‌ها زندگی می‌کنند، با کمبود شدید آب در تمام یا بخشی از سال روبرویند. پدیده‌ای که در حال حاضر در شماری از رودخانه‌های کشور ما نیز مشهود است.

از سوی دیگر، به دلیل انتشار انواع آلودگی‌ها و ورود آنها به منابع محدود آب، همین مقدار آب محدود نیز به دلیل آلودگی شدید، دیگر سودمند نبوده و امکان استفاده از آن در برخی از موارد امکان‌ناپذیر می‌شود. همچنین در شرایطی که رودخانه‌های مهم جهان پیوسته می‌خشکند، سفره‌های آب زیرزمینی نیز در تمام قاره‌ها به علت فزونی گرفتن تقاضای آب از بازده پایدار آبخوان‌ها، پیوسته در حال تنزل هستند. پمپاژ آب از عمق زمین پدیده‌ای است که در نیم سده‌ی اخیر و از زمان پیدایش موتورهای نیرومند دیزلی ممکن شده و توانسته است در مدتی کوتاه، کاهش شدید منابع آب‌های زیرزمینی را باعث شود.

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که کمبود آب همواره به عنوان یک موضوع اساسی، مطرح بوده است. کمبودی که هر ساله بیشتر می‌شود. هم اکنون بسیاری از مردم کشورهای در حال توسعه از آب کافی برای برآوردن نیازهای اصلی خود مانند آشامیدن، حمام و پخت‌وپز، محروم هستند. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۵۰ میلادی حدود ۵۶۳ میلیون نفر بر جمعیت کشور هند و ۱۸۷ میلیون نفر بر جمعیت کشور چین - که در زمره‌ی فقیرترین کشورهای جهان به لحاظ اراضی کشاورزی قلمداد می‌شود - و هم‌اکنون نیز با مشکلات پرشماری در زمره‌ی تامین منابع آب مواجه هستند افزوده شود. کشورهای نظیر مصر، مکزیک و جمهوری اسلامی ایران نیز با افزایش جمعیت روبرو بوده و بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل متحد، جمعیت آنها نیز تا سال ۲۰۵۰ حدود ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. در این کشورها که هم‌اکنون نیز با کمبود آب مواجه هستند، تداوم رشد جمعیت، بسیاری از شهروندان را با کمبود آب مواجه کرده است و در صورتی که اقدام‌های اساسی را برای استفاده‌ی بهینه از منابع محدود آب در دستور کار خود قرار ندهند، به طور قطع با مشکل‌هایی برای دستیابی به توسعه‌ی



بر زاینده رود چه گذشت...

سپیده رضایی / کارشناسی جامعه‌شناسی



مکعب ذخیره کرده است. یعنی یازده درصد کاهش نرخ تبدیل بارش به ذخیره آبی در پشت سد رخ داده است. در سال آبی ۱۳۴۵-۱۳۴۶ بارش در ایستگاه چهل گرد هزار و پانصد میلی متر بوده است و در سال پر آب ۱۳۷۱-۱۳۷۲ این مقدار به دو هزار و پانصد و پنجاه میلی متر نیز رسیده است. اما کلیت روند «کاهش» بوده است و در سال آبی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بارش به هزار و صد و هفتاد و هشت متر رسیده است. یعنی ما حدود ۳۲۰ میلی متر از بارش‌ها را از دست داده ایم.

در کنار تغییر میزان بارش، ما شاهد تغییر دما نیز می‌باشیم و با توجه به موارد ثبت شده در ایستگاه کوه‌رنگ، دما روند افزایشی داشته و از میانگین نزدیک به نه درجه، به ده و نیم درجه در کوه‌رنگ رسیده ایم. معاون برنامه ریزی شرکت آب منطقه ای اصفهان با اشاره به دسته بندی عوامل موثر در بروز عدم تعادل بین منابع و مصارف آب، می‌گوید: برخی عوامل مردم‌زا و دسته ای دیگر عوامل طبیعی هستند. در حوزه عوامل طبیعی، مهمترین اتفاق در حوزه زاینده رود مربوط به گرمایش زمین است. امروز نه تنها دما در این حوزه افزایش یافته، بلکه شاهد کاهش میزان بارش‌ها به صورت جزئی و تغییر الگوی زمانی، مکانی و نوع بارش‌ها هستیم، اما به صراحت می‌گوییم این عوامل موجب خشکی رودخانه زاینده رود نشده است. آنچه در کل کشور و همچنین در حوزه زاینده رود موجب خشکی رودخانه‌ها شده، عوامل مردم‌زا است؛ این عوامل در نهایت موجب افزایش مصارف در بخش‌های مختلف کشاورزی، شرب، صنعت می‌شود. وی می‌گوید: اگرچه فعالیت‌های فنی مهندسی مانند

مسئله آب و کم آبی تنها، مربوط به چند سال اخیر نیست. بلکه دارای پیشینه چهل یا پنجاه ساله ای است که در سالهای اخیر نمود پیدا کرده و شاهد خشک شدن بسیاری از منابع آبی کشور ایران می‌باشیم. یکی از مهم ترین این منابع، زاینده رود است. زاینده رود به عنوان بزرگترین رود حدود چهارصد کیلومتر طول دارد، سرمنشا آن، غرب اصفهان یعنی از دو رودخانه پالس جان، زرد کوه بختیاری و آبی که از دو تونل کوه‌رنگ یک و دو سرچشمه می‌گیرد، می‌باشد. که در نهایت در پشت سد زاینده رود جمع می‌شود.

منبع اصلی آب زاینده رود از زردکوه بختیاری و در اصل برف و بارانی است که در چهل گرد می‌بارد و کم و زیاد شدن آن روی این منبع تاثیر می‌گذارد. محل اصلی این خشکی بعد از چماسمان تا تالب است و تا قبل از این محل همیشه آب وجود دارد. در ده سال اخیر بارش‌ها در چهل گرد از هزار و چهارصد و ده میلی متر مکعب (میانگین سالانه) به هزار و دویست هشتاد و پنج متر مکعب تقلیل یافته است به این معنا که نه درصد کاهش بارش اتفاق افتاده است. در کنار آن هر یک میلی متر بارش به جای اینکه نهصد و هشتاد هزار متر مکعب آب در سد ذخیره کند، هشتصد و هشتاد هزار متر



شماره هفتم / اسفندماه ۱۴۰۰

باید اقدامات و راه‌حل‌های طولانی مدت در نظر گرفته شود که بعد از پشت‌سر گذاشتن این بحران، شاهد از بین رفتن دگرباره آن نباشیم.

طرح‌های آبخیزداری با هدف کنترل

رسوب و ورودی به سدها و جلوگیری از فرسایش خاک مورد تاکید است، اما فعالیت‌های غیراصولی آبخیزداری با هدف کنترل آب و توسعه مصارف بخش کشاورزی خود تبدیل به یکی از عوامل موثر بر خشکی رودخانه شده است؛ این قبیل فعالیت‌ها در حوزه‌های باز مانند کارون با رعایت برخی مبانی مفید است، اما حوزه‌های بسته‌ای مانند زاینده رود می‌تواند باعث بارگذاری بیشتر بر حوزه و در نهایت خشک شدن رودخانه و تالاب شود.

کمیبود آب در حوزه زاینده رود به شدت خودنمایی می‌کند که علت اصلی آن توسعه بیش از ظرفیت در حوزه زاینده رود است و متأسفانه هنوز هم ادامه دارد و موجب افزایش جمعیت بیش از نرخ رشد جمعیت کشور در اثر ایجاد صنایع و جذب مهاجر میشود. این توسعه ناپایدار از طرق زیر مصارف آب را به شدت افزایش داده است:

جمعیت‌های شهری و روستایی نیاز مصارف شرب،

بهداشت و غیره توسعه شهرها و نیاز به فضای سبز

ایجاد صنایع مصرف‌کننده و آلوده‌کننده آب توسعه کشاورزی عوامل دیگری نیز بر این واقعه تاثیر گذار بوده اند انتقال آب به یزد، انتقال آب به کاشان، اجازه پمپاژ از رودخانه توسط آب منطقه‌ای اصفهان و مهم‌تر از همه اجازه پمپاژ از بالادست رودخانه توسط شرکت آب استان چهارمحال و بختیاری، اسباب خشک شدن یکی از پرآب‌ترین رودها شده است.

با کاهش آورد رودخانه در بخش‌های میانی و پایانی رودخانه و توسعه چاه‌های نیمه عمیق و عمیق در مناطق برخوار، نجف‌آباد و ... موجب شده سطح آب‌های زیرزمینی در این مناطق تا عمق ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر پایین رود که این موضوع نیز خود موجب خشکی زاینده رود شده است، در این حوزه میزان پمپاژ از رودخانه زیاد است و کشاورزان صرف نظر از وضعیت اقلیمی هر سال از رودخانه و دیگر منابع آب در حد نیاز برداشت کرده و حتی دامنه‌های مصارف را به برداشت از منابع تجدیدناپذیر آب توسعه داده‌اند که در نهایت منجر به افت سفره‌های زیرزمینی و فرونشست زمین شده است. مستندهایی مبنی بر اینکه در دوره قاجار هم این خشکی اتفاق افتاده وجود دارد، گفته می‌شود اولین شواهد از خشکی این رود در کتاب حمزه اصفهانی آمده و در آن از قحطی و خشکسالی بزرگی در سال ۳۲۳ هجری قمری در اصفهان خبر داده است. او در همان کتاب از کم‌آبی اصفهان در دوران مامون عباسی سخن به میان آورده است. بر اساس منابع تاریخی در عصر صفوی خشکسالی در طول تابستان

به طور مداوم اتفاق می‌افتاد و آنقدر این ماجرا تکرار

می‌شد که حاکمان اصفهان طرحی را برای انتقال

آب کارون به اصفهان در نظر گرفتند. در عصر قاجار

خشکسالی که برای چند سال در دوران سلطنت

ناصرالدین شاه سراسر ایران را فرا گرفت باعث شد

زنده رود نیز خشک شود و مردم این شهر در سختی و

قحطی به سر ببرند. در آن زمان ظل‌السلطان فرزند

شاه حاکم اصفهان بود و به گفته برخی منابع تاریخی

در شهر هزاران نفر کشته شدند و خشکی زاینده رود

باعث شد مردم به سختی با حفر چاه از دل زمین آب

را بیرون بکشند. میناس عکاس اصفهانی، هولتسر و

سوریوگین عکاسانی هستند که در عصر قاجار از

خشکسالی زاینده رود عکاسی کرده‌اند. عکس آنها پل





های تاریخی اصفهان را در حالی که آبی از زیر آنها عبور نمی کند نشان می دهد و گرچه تاریخ دقیقی از هیچ یک از عکس ها در دست نیست ولی ظاهرا این عکس ها به دوران خشکسالی عهد ناصری مربوط می شود. با توجه به پیشینه و اوضاع کنونی و همچنین اهمیت بسیار زیاد زاینده رود ، باید اقدامات و راه حل های طولانی مدت در نظر گرفته شود که بعد از پشت سر گذاشتن این بحران ، شاهد از بین رفتن دگر باره آن نباشیم .



با من بگو از دست های مهربانت
از حجم طوفان ، لابه لای گیسوانت
جنگل که نه ، پیراهنت صد برگ لاله است
آغوش و کن سمت پاییز جوانت
یک ماهی درگیر گردابم همیشه
حرفی بزن از قایق بی بادبان



تا قاصدک های مرا باران نکشته است
پرواز را راهی بکن در آسمانت
مهتاب یعنی، پنجره در بهت فانوس
مهتاب رنگ هشتم رنگین کمانت
در آخرین عصری که با هم چای خوردیم



رقصید آهسته ، غزل در استکانت
یکشنبه شد وقت نگاه گندم و سیب
بر داس ها و درس های امتحانم
اردیبهشت دست هایت را بپاشان
بر گریه زاینده رود بی امانم

شعر از : محمد حسن اسفندیار پور

منابع : www.payamesabz.ir اپیزود سی و هفتم یادگست

دغدغه ایران به روایت دکتر محمد فاضلی



رنجش نبود آب، از او گرفت خواب

علی قربانی / کارشناسی مدیریت دولتی



شاید در مسائلی به این بزرگی و ابعاد، شروع کردن در نظر مخاطب آسان به نظر می‌رسد و این گونه تصور می‌شود که، نویسنده در بین گزینه‌های مختلف دست به انتخاب زده، بنابراین کار آسانی داشته است؛ اما حقیقت چیز دیگری است. گویا هر قدر که به راه‌های ممکن ما اضافه می‌گردد؛ همزمان سختی و احتمال انتخاب بهترین و درست‌ترین راه نیز برای ما بیش‌تر می‌شود؛ اما مجبوریم که آغاز کنیم.

شاید بهره‌گیری از کلام حق تعالی و قدما در این زمینه، بهترین راه آغاز و مقدمه‌سازی برای بحث ما باشد. حکیمان قدیم، آب را یکی از چهار عنصر تشکیل‌دهنده ماده می‌دانستند. حق تعالی اما، بارها به موضوع آب در کلام پر نور و حکمت خود، اشاره کرده است.

آیات الهی اشاره دارند که عرش خداوند بر روی آب بوده و حیات همه جان‌داران به آب وابسته است و نیز از نقش‌های گوناگون آن در زمین از احیای زمین، سرسبزی طبیعت، رویش گیاهان رنگارنگ، پیدایش مراتع، مزارع و باغ‌ها با درختان مختلف و انواع گوناگون میوه‌ها، سخن رفته است. به نزول آب بر کوه‌های بلند و تأمین آب گوارای آشامیدنی، ایجاد نهرها و رودهای بزرگ و تسخیر آب دریاها برای انسان نیز یاد آور شده است. برخی آیات نیز از وجود آب در جهان آخرت به صورت یکی از نعمت‌های بهشت، خبر داده‌اند.

نعمت بودن آب، منافع کثیر آن، نشانه‌ی قدرت الهی، نشانه معاد الهی، منشاء حیات و این دست موارد را می‌توان به عنوان خلاصه‌ای از عوامل اهمیت آب بیان کرد.

سخن را کوتاه کنیم، برای درک اهمیت این مایع ارزشمند، جهان را لحظه بدون آن تصور کنید. آه! چه هبوط آور، چه درد آور.

بعد از گذر از مقدمه، خوب است قبل از بحث کردن پیرامون منابع آبی در ایران و خاورمیانه، در ابتدا با خاورمیانه آشنا شویم.

خاورمیانه! نام این منطقه از طرف اروپاییان برگرفته شده و برای نخستین بار آمریکایی‌ها از آن استفاده کردند. در واقع منظور از نام خاورمیانه، منطقه‌ای اطراف خلیج فارس است و این به معنای آن است که اگر به این منطقه‌ی آسیایی از اروپا نگاه کنیم در واقع نه نزدیک است (خاور نزدیک) و نه دور است. (خاور دور) نویسندگان عرب این واژه را الشرق الاوسط نامیده‌اند و در زبان فارسی به خاورمیانه معنا شده است.

این منطقه آسیایی در واقع نخستین خاستگاه تمدن جهان بوده و بسیاری از باورها و آیین‌ها جهان از این منطقه‌ی آسیایی برخاسته است. خاورمیانه از میانه قرن بیستم، مرکز توجه جهانی و شاید حساس‌ترین منطقه جهان از نظر استراتژیکی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است. خاورمیانه زادگاه ادیان مهمی چون



های خاورمیانه بهت برانگیز و می توان گفت؛ وحشتناک است.

با خواندن این لیست و در نظر گرفتن ۲۰۰ کشور مطرح در جهان، در می یابیم که: عراق با جایگاهی نزدیک به ۸۰، عربستان سعودی با جایگاه ۱۶۰، قطر با جایگاه ۱۷۰، بحرین با جایگاه ۱۷۵، لیبی با جایگاه ۱۶۵، عمان با جایگاه ۱۶۴، لبنان با جایگاه ۱۶۹، مصر با جایگاه ۹۰، سوریه با جایگاه ۱۱۰، و ایران با جایگاه ۷۰ به عنوان یک سری از کشورهای اصلی خاورمیانه؛ وضعیت فاجعه بار آن ها به طور کامل از لحاظ منابع آبی در این لیست مشخص است.

اما در نگاه اول وضعیت کشور هایی مثل ایران در این منطقه شاید به شده دیگر کشور ها اسفناک نباشد! اما باید دانست که تنها دلیل بدبختی های آبی ایران و خاورمیانه این نیست. اگر بخواهیم تک به تک هر کدام از این بدبختی ها را شرح دهیم، می توانیم کتابی پر و پیمان منتشر کنیم اما، لازم است که تعدادی از آن ها را نام ببریم.

مدیریت ناصحیح، احداث اشتباه سد ها، توجه نکردن به پیامد های اثرات زیست محیطی و تغییرات اقلیمی، مدیریت اشتباه بحران ها و ایجاد اثرات غیر مطلوب،

یهودیت، مسیحیت، اسلام، و ادیان غیر ابراهیمی مثل دین زرتشتی، آیین مهر و مانوی است.

برای این منطقه که سال های سال است در طول تاریخ، هیچگاه روی آرامش به خود ندیده است، مرز دقیقی، نمی توان تصور کرد. به عنوان مثال در بعضی از تقسیم بندی ها مصر و یا لیبی نیز عضو خاورمیانه به حساب می آید و در برخی دیگر، خیر! این موضوع برای کشورهای شرقی ایران نیز به همین صورت است.

مصر، ایران، عراق، عربستان، یمن، سوریه، اردن، امارات متحده عربی، لیبی، لبنان، عمان، فلسطین، کویت، قطر، بحرین، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، ارمنستان و آذربایجان کشورهای مختلفی هستند که طبق روایت های مختلف از افراد مختلف می توان در ناحیه ی خاورمیانه آن ها را قلمداد کرد.

اما پرداختن به فرعیات کافی است. با فلاش بک زدن، به مبحث آب به ادامه موضوع خود می پردازیم.

فهرست کشورها بر پایه مجموع منابع تجدید پذیر آب، یکی از مهم ترین فهرست هایی است که در حوزه آب می توان بر پایه آن کشور ها را دسته بندی و تقسیم کرد. آب شیرین و قابل شرب کشور ها و آب تجدید پذیر کشور ها در این فهرست لحاظ شده است. اما رتبه و جایگاه کشور

در نهایت، گفته شد در کنار کمبود طبیعی آب در منطقه خاورمیانه، وجود دیگر مشکلات نیز دست به دست هم داده است و وضعیت را به شکلی رقم زده که قلب انسان به درد می آورد.

شاید تخصصی نوشتن در این باب راهکار های حل این موضوع که کدام در زمانه ما مهم تر و قابل استفاده تر است، سخت باشد. اما گذری به یک سری از مهم ترین راهکار ها که جامعه ما و کشور ما از آن دور مانده است، باعث اعتلای کلام خواهد شد.

آموزش و تغییر الگوی مصرف و روش زندگی: دانشمندان تاکید می کنند که برای رویارویی و موفقیت در مقابله با بحران کم آبی لازم است تا مردم در زمینه استفاده صحیح آموزش ببینند و در رفتارهای گذشته بازنگری کنند و ضروری است تا در شکل استفاده از آب تجدید نظر شود. این تغییرات از مصارف فردی گرفته تا زنجیره شرکت های بسیار بزرگ مانند جنرال الکتریک را شامل می شود.

افزایش سیستم های نوین آبیاری: استفاده از سیستم های نوین آبیاری در بخش کشاورزی می تواند در کاهش مصرف آب بسیار تاثیر گذار باشد در بسیاری از کشورها ۷۰٪ آب در حوزه کشاورزی استفاده می شود و هر اندازه بهره روری افزایش یابد در مصرف کل صرفه جویی خواهد شد، این روش در بسیاری از کشورها از جمله استرالیا، آسیای مرکزی و جنوب غرب آسیا به عنوان یک راهکار عملی استفاده شده و نتیجه خوبی حاصل شده است کارشناسان خبره جهانی میگویند که به عنوان نمونه در کالیفرنیا راه اندازی چنین سیستم هایی انقلاب بزرگی در تولید محصولات کشاورزی ایجاد کرده است.

افزایش قیمت آب: بر اساس مطالعات دانشمندان، افزایش قیمت آب می تواند در کاهش

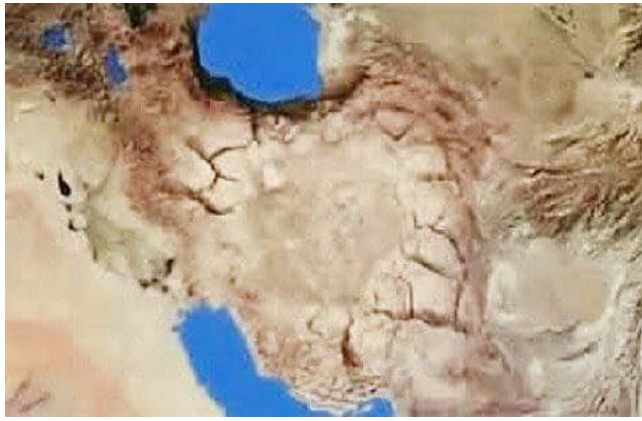


تصفیه نکردن فاضلاب ها، بهره وری نادرست از آب، استفاده بی حد و اندازه از آب های زیر زمینی برای هر مصرفی، احداث ناصحیح کارخانه ها و مجوز دادن به این کارخانه ها در مناطق بحران خیز آبی، نبود و نا هم خوانی جمعیت کشور با مقدار منابع آبی، اسراف و مصرف ناصحیح مردم از آب، آبیاری های غلط در بحث های کشاورزی، نبود مخازن جمع آوری آب باران به تعداد کافی در مناطق باران خیز کشور و... از انواع و اقسام مواردی است که احتمالا در اینترنت یا در اخبار مواردی از آن ها به گوش یا چشمان مان رسیده است.

موارد نام برده فقط خاص ایران نبوده و نیست! هر کشوری در خاورمیانه و یا خارج از آن می تواند با این مشکلات دست و پنجه نرم کند. مشکلاتی که دلیل اصلی آن بی تدبیری است.

کمبود آب، مسئله ای است که نمی توان از آن چشم پوشاند، اما قایق گم شده ای در وسط دریا را فرض کنید که لیوان آب شیرینی به همراه داشته باشد که کاپیتان آن قایق کوچک را برای اندک روزی زنده نگه می دارد، اما کاپیتان عقل سلیم خود را همراه با آن لیوان به دریا می ریزد. مدیریت ناصحیح و تدبیرات نادرست در برخورد با داشته هایمان هر چند کم باشند، آنچه که نباید رخ دهد را، به عمل می رساند.





از مصرف جهانی آب در بخش صنایع است، بنابراین بخش زیادی از آب به صورت مستقیم و غیر مستقیم در این صنعت استفاده می‌شود، با بهینه سازی تکنولوژی می‌توان مصرف آب را در این بخش کاهش داد.

شاید موارد نام برده برای رساندن حق مطلب کفایت داشته باشد اما اگر چکیده ای در این انتهای بحث بگوییم، این است که اهمیت آب خواه یا ناخواه، ارادی یا غیر ارادی برای ما مشخص است، در کنار این می‌دانیم که وضعیت منابع آبی به دلیل منطقه جغرافیایی و موارد از این قبیل خوب نیست! پس چه کنیم دست روی دست بگذاریم و بمیریم؟ انسان موجودی تکانشگر است! اگر دغدغه مندی اش را فراموش کند، دیگر چه فرقی با تکه سنگی دارد؟

اکنون که می‌دانیم چنین است و وضعیت از نظر طبیعی خوب نیست، بهتر است که دیگر گل به خودی نزنیم. بی‌تدبیری‌ها و این عقب ماندگی‌های تکنولوژی هر چه زودتر باید کنار گذاشته شود.

شاید اطاله کلام در باب آب‌های آلوده، بیماری‌هایی که در اثر نبود آب ایجاد یا تشدید پیدا می‌کنند یا مواردی از این دست، هر کدام کتابی را بطلبد. اما هر چه بگوییم باعث بهتر شدن نخواهد شد، بنابراین اکتفا می‌کنم به این جمله که: به امید آن روزی که هیچ انسانی، دردی از نبود آب نداشته باشد.

مصرف بسیار موثر باشد بر اساس اعلام کارشناسان سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی که ۳۱ کشور ثروتمند دنیا عضو آن هستند، افزایش قیمت آب در کاهش پساب و نیز آلودگی بسیار موثر بوده است.

باز گذاشتن آب برای عده‌ای امر عادی است و در انتها می‌گویند، که پولش را می‌دهیم. نمونه آن شستن ظرف‌ها یا ماشین یا حتی مسواک زدن، شاید باعث تعجب باشد که حتی این کارهای کوچک؛ بله! هشتاد میلیون کار کوچک بر روی هم جمع شود، ناگهان وضعیت فاجعه‌ای را می‌سازد. اما، این دست افراد را که اخلاق و مباحثی به این شکل برای آن‌ها معنی ندارد و می‌گویند که، خب پولش را می‌دهیم. شاید تنها را متوقف کردن این‌ها در حالی که رفتارشان نیز باعث ضرر دیگران است، استفاده از چنین راهکارهایی است.

کنترل جمعیت: از آنجایی که جمعیت جهان مرتب در حال افزایش است، احتمال دارد که برخی از کشورها تا سال ۲۰۳۰ ۲۰٪ شکاف ۶۵ درصدی بین تقاضای مردم و آبی که وجود دارد داشته باشند، در حال حاضر بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان دسترسی به آب سالم و بهداشتی ندارند و ۷۰ درصد آب هم در بخش کشاورزی استفاده می‌شود و مهم‌تر از همه تغییرات آب و هوایی این تعادل را به هم می‌زند.

مقابله با تغییرات آب و هوایی: تغییرات آب و هوایی یکی از چالش‌های بزرگ انسان‌های امروزه است سیاست مدیریت آب می‌تواند تاثیر زیادی در کاهش گازهای گلخانه‌ای داشته باشد، بنابراین به جای استفاده از سوخت‌های فسیلی باید به استفاده از انرژی‌های خورشیدی روی آورد که از یک سو با تغییرات آب و هوایی مقابله کنیم و از سوی دیگر به کاهش مصرف آب می‌انجامد.

کاهش مصرف آب شرکت‌ها و صنایع: حدود ۲۵ درصد



جنگ جهانی آب

زینب سادات علوی / کارشناسی تاریخ

چیزی که مشخص است، تنش‌های سیاسی درباره آب در جهان در حال افزایش است؛ اما نکته حائز اهمیت برای ما این است که این درگیری‌های سیاسی بر سر آب در حوضه آبریز دجله-فرات بیشتر از همه قابل مشاهده است.

درگیریهای خاور میانه در زمینه آب از زمانی آغاز شد که ترکیه اقدام به آبرگیری از سد «ایلی سو» کرد، همین امر موجب آغاز جنگ آبی در خاورمیانه شد.

سد «ایلی سو» در مبدأ دجله قرار دارد و به طور قابل ملاحظه‌ای جریان آب را به سمت کشورهای چینی چون عراق و ایران تحت تاثیر قرار می‌دهد.

آبرگیری این سد چندین بار به دلیل مخالفت طرفداران محیط زیست به تعویق افتاده بود اما ترکیه بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن برای همسایگان، با هدف تامین منابع آبی خود، آبرگیری آن را آغاز کرد.

با اینحال کارشناسان هشدار داده اند که اگر در امر مدیریت منطقه این سد اقدامی صورت نگیرد، می‌تواند ایران، عراق و در آینده سوریه را با تهدیدهای جدی از جمله افزایش ریزگردها، نابودی زمین‌های کشاورزی، نابسامانی‌های اجتماعی و... رو به رو کند.

کارشناسان انعقاد پیمانی منطقه‌ای مبتنی بر حقوق متوازن آب را به‌عنوان گزینه پیشنهادی در شرایط فعلی مطرح کردند و معتقدند این پیمان باید منافع همه کشورهای متاثر از این سد را تامین کند.

با توجه به شرایط آب و هوای خشک خاورمیانه و آفریقا، بدیهی است که احتمال بروز جنگ‌های آب در منطقه هم بیش از دیگر مناطق جهان باشد.

همه کشورها به دنبال استفاده حد اکثری از منابع



خشکسالی، فقر در منابع آب شیرین، جنگ جهانی بر سر آب و....

جملاتی که چند سال اخیر بسیار به گوش همگان رسیده است، خشکسالی جهانی!

دوره کم‌آبی که یک منطقه با کمبود در ذخیره آب شیرین مواجه می‌شود.

به نقل از گاردین، ۱.۵ میلیارد نفر تحت‌تأثیر خشکسالی قرار گرفته‌اند؛ هزینه‌ای که برای مقابله با این پدیده صرف می‌شود نزدیک به ۱۲۴ میلیارد دلار برآورد شده است. مامی میزوتوری، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در کاهش خطر بلایا می‌گوید: «خشکسالی در آستانه تبدیل شدن به همه‌گیری بعدی است و هیچ واکنشی برای درمان آن وجود ندارد. طی چند سال آینده بیشتر مردم جهان با تنش آبی زندگی خواهند کرد. در دوره‌های خاصی تقاضا برای آب از میزان عرضه پیشی خواهد گرفت؛ خشکسالی عامل اصلی تخریب زمین و کاهش بهره‌وری محصولات کشاورزی است.»

جنگ آب در خاور میانه





است که چرا زمانی که این کشور ها اقدام به ساخت چنین سد های نا به جایی کردند ورود نکردند تا حق آبه ایران را حفظ کنند.

اما نکته حائز اهمیت این است که ایجاد چنین جنگ آبی عمدی است یا سهوی و طبیعی؟

برای بررسی این امر باید دید هدف ترکیه و افغانستان از ایجاد این سد هایی که باعث بسته شدن ورود آب به ایران می شود جز تامین آب برای خودشان چه بوده است، آیا هدف دیگری داشته است؟ ایده ایجاد این سد ها در این مناطق از کجا بوده است؟

شاید بسیاری ندانند که بخش اعظم این پروژه ها توسط شرکت های مهندسی اسرائیلی - آمریکایی انجام می شود و قطعا اهدافی غیر از تامین آب پشت ایجاد چنین سدی در چنین مناطقی وجود دارد.

نه اتیوپی و نه افغانستان امکانات و سرمایه های لازم ساخت این سد ها را نداشتند ولی به یکباره اسرائیلی ها و آمریکایی ها شروع کردند روی این پروژه ها کار کردند.

در ترکیه نیز علیرغم وجود امکانات و توانمندی های زیاد ، پروژه ها توسط شرکت های وابسته به اسرائیل و آمریکا تدوین و پیاده سازی شد.

آبی خود هستند چراکه با توجه به افزایش جمعیت و نیاز بیشتر به آب چه برای مصارف شخصی و چه برای صنعت و کشاورزی افزایش خواهد یافت.

همین امر باعث شده است سد های متعددی ایجاد شود و طبیعتا موجب کمبود منابع آبی در دیگر کشورها می شود.

نه فقط سدی که ترکیه ایجاد کرد باعث خشکسالی در ایران، عراق و درآینده سوریه در منطقه خاور میانه می شود، بلکه «سد النهضه» اتیوپی نیز مانند سد «ایلی سو» به محض شروع آب گیری، بخش های زیادی از مصر و سودان را دچار خشکی می کند.

به همین دلیل هم بسیاری از مردم مصر و سودان از کشورهای خود تقاضا دارند که به صورت نظامی وارد کار شوند و «سد النهضه» را بمباران کنند، امری که احتمال بروز یک جنگ تمام عیار را می دهد و احتمال رخ دادن آن بسیار زیاد است.

حال به نقطه ای رسیده ایم که در خاور میانه کشورها حاضر هستند برای حفظ حق آبه خود حتی جنگ هم راه بیاندازند.

جنگ آب در ایران؟

در رابطه با خشکسالی در ایران باید گفت این امر آنقدر جدی است که مجله نیچر از خشکسالی گسترده و از دست رفتن منابع آب و غذا در ایران خبر داده است.

سد های در اطراف ایران ساخته شده است که باعث شده است منشاء ورود آب به ایران از دریاچه ها و رودهای مختلف بسته شود و رو به خشکی بروند.

سد ایجاد شده بر رود هیرمند که باعث خشک شدن دریاچه هامون در شرق ایران شد.

سد های افغانستان و ترکیه حفظ حق آبه ایران را سخت کرده است و نقدی که به دولت مردان وارد میباشد در این



آب آشامینی مناطق کم‌تر توسعه یافته، روستاها و شهرهای دورافتاده نیز با مشکل مواجه شده‌اند، که این نیز باعث دشوار شدن دستیابی به هدف خودکفایی کشاورزی در این مناطق شده است.

"قاسم تقی‌زاده خامسی" گفته بود اگر ما برای بحران آب راه‌حلی پیدا نکنیم حدود ۵۰ میلیون ایرانی از کشور مهاجرت می‌کنند. در صورت ادامه روند فعلی باید منتظر درگیری‌های بیشتر بر سر آب در استان‌های اصفهان، چهارمحال و بختیاری و خورستان باشیم.

جنگ آب ایران از استان‌ها آغاز شده به روستاها خواهد رسید چرا که طبیعت ایران قربانی سیاست‌های کلان

شده‌اند. افزایش جمعیت هر سال نباید با تخریب منابع طبیعی همراه باشد با ادامه این روند در سال ۱۴۲۰ در حوزه زاگرس و جنوب البرز، اثری از کشاورزی نخواهد بود چون همه منابع آبی را غارت می‌کنیم؛

اکنون اما اوضاعی که در ایران قالب شده است هیچ نشانی از مدیریت ندارد بلکه نشان‌دهنده این است که بیش از پیش به جنگ آبی نزدیک شده‌ایم.

این سرزمین چقدر تحمل دارد؟ این سرزمین هفت هزار سال سابقه زیستن دارد؛ اما نسل حاضر با استفاده از تکنولوژی‌هایی که امروز به وجود آمده می‌خواهد همه منابع را غارت کند. غیر از سفید رود و رودخانه کارون که کمی نفس دارد، بقیه رودخانه‌ها در کشور غیر از این دو روخانه زنده نیستند. وقتی آبی نیست، که یک کشاورز کار کند تا درآمد کسب کند هرچ و مرج و نا آرامی و در آخر جنگ رخ می‌دهد؛ چرا که این به معنای از دست رفتن معیشت یک خانواده است؛ جامعه کشاورزی هم معمولا روستاهایی هستند که راه دیگری برای کسب درآمد ندارند. شاید ۲۰ سال آینده برخی از مناطق کشور برای زیست مناسب نباشد، این

این مسائل به شدت شبیه ایجاد میکنند! علاوه بر این که بارها بنیامین نتانیاهو در زمینه منابع آبی ایران نیز بارها اظهار نظر کرده است. زمانی که در دنیا بحث بر سر منابع آبی است و نقل از جنگ بر سر آب به میان آمده است و کشور های سرمایه داری همگان به هر نحوی به دنبال ذخیره منابع آبی برای حفظ صنایع هستند به یکباره ما دو سد مهم و خطرناک برای منابع آبی کشور هایی چون ایران، عراق، سوریه و... در منطقه میبینیم که توسط کشور هایی چون اسرائیل و آمریکا برای افغانستان، ترکیه، اتیوپی و... ساخته شده است. حضور مشترک اسرائیلی ها در همه این پروژه ها می تواند این ذهنیت را ایجاد کند آنها نقشه ای برای ایجاد جنگ آب در

منطقه دارند؛ جنگی که اگر به فکر تدارک برای جلوگیری از رخ دادن آن نباشیم قطعاً رخ خواهد داد.

اکنون اما اوضاعی که در ایران قالب شده است هیچ نشانی از مدیریت ندارد بلکه نشان دهنده این

است که بیش از پیش به جنگ آبی نزدیک شده ایم.

دولت ایران هشدار می دهد که با کمبود تامین آب مواجه شده است و توان تامین آب کافی را نخواهد داشت. همزمان درگیری‌های بین استانی بر سر منابع آب در جریان است.

در نشست مرتبط با زمین در ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ میلادی از کشورها خواسته شده بود فقط ۴۰ درصد از منابع آب تجدیدپذیر خود را مورد استفاده قرار دهند، اما در ایران سال‌هاست که بیش از ۱۰۰ درصد از ذخایر آبی بوده استفاده شده است.

ایران سدهای زیادی در ایران ایجاد کرده است که بیشتر نقشی منفی در تبخیر آب‌های تجدیدپذیر داشته و باعث تضعیف منابع آبی کشور شده است. استخراج بی‌رویه از سدها نیز مزید بر کم آبی شده است. از طرفی دولت‌ها برای تامین



با توکل زانوی اشتر ببیند...

محمد صادقی برزانی / کارشناسی حقوق و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)

-پیرامون علل پیدایش بحران کم آبی توضیحاتی بفرمایید.

پاسخ:

پدیده کم آبی و خشکی رودخانه زاینده رود که اختصاص به اصفهان هم ندارد و یک رودخانه ملی در فلات مرکزی است و چندین استان از جمله چهارمحال و بختیاری، اصفهان و یزد حیات آنها به این رودخانه وابسته است.



مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین حسین میرزایی نماینده اصفهان در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی عضو کمیسیون فرهنگی و نماینده کمیسیون فرهنگی در کمیسیون اصل ۹۰

با توکل زانوی اشتر ببیند!

اقدامات و راهکارها تا سوء استفاده ها در بحران کم آبی را از زبان نماینده مجلس بشنوید.

در این مصاحبه از علت های خشکسالی در فلات مرکزی ایران تا تاثیر دولت های مختلف در بحران آب امروز اصفهان صحبت شده است .

-پیرامون راهکارها و اقدامات مجلس در حوزه تامین و مدیریت منابع آب بخوانید.

-تهاتر آبی اصلی ترین و اجرایی ترین پروژه ممکن برای حل مشکل کم آبی سه استان

-باروری ابرها نتیجه نداد.

-تنها راه حل مشکل کم آبی اصفهان در امسال فقط نماز باران و استغاثه به درگاه خداوند است.

سوال:

به نظر من این رفتار مردم اصفهان، شرق، غرب و در کل مردم اصفهان در طول این سالها نجات بوده است.

این بحران معلول تصمیماتی است که در دولت سازندگی آغاز شد، در دولت اصلاحات و دولت عدالت کار ادامه پیدا کرد و رئیس جمهور دولت بی تدبیری و ناامیدی هم این مسیر اشتباه را ادامه داد و به نظاره نشست. بنابراین یک رفتار نادرست چند دهه ای توسط چند دولت باعث این اتفاق شده است؛ منشاء آن در این است که وزارت نیرو تراز مصارف آب در این رودخانه را نه روی کاغذ درست حساب کرده و نه در عرصه عمل به طوری که بدون اینکه منابع جدیدی را به آورد رودخانه اضافه کند از قریب به بیست سال قبل سالانه بیش از صد میلیون متر مکعب آب برداشت شده و در پنج سال اخیر هم یک مجوز جدید داده شده و در یکی از استانها برداشت های عجیب و غریبی صورت گرفته است و طبیعتاً





خشکسالی و کم بارشی و تغییرات اقلیم به این تصمیمات نادرست اضافه شده، امروز با یک رودخانه ای مواجه هستیم که سالیان درازی است خشک شده است و از طرف دیگر، بحث مهاجرت هایی است که بدون توجه به آمایش سرزمینی صورت گرفته است به شکلی که برنامه ای برای تامین آب حدود دو میلیون مهاجر داخلی و خارجی در جنبه های مختلف زندگی تدارک دیده نشده است.

بنابر این از یک طرف از یک طرف مهاجرت بدون آمایش سرزمین و شرایط اقلیمی حرکت به سوی خشکسالی دست به دست هم داده و پدیده ای را در اصفهان، یزد، چهارکحال و بختیاری بوجود آورده که خشکسالی رودخانه و مشکل در تامین آب شرب نمونه ای از آن است. کسانی که زندگی و جانشان وابسته به آب است و بخشی از این حق آبه آنها بوده و بخشی هم برای احداث تونل کوهرنگ هزینه داده اند؛ نتیجه آن اینطور شده که زندگی آنها با نبود آب متلاشی شده است. حال شما از کسی که در اثر بی آبی و خشکسالی همه چیز خود را از دست داده توقع دارید چه عکس العملی از خود نشان دهد؟

به نظر من این رفتار مردم اصفهان، شرق، غرب، و در کل مردم اصفهان در طول این سال ها نجات بوده است.

سوال:

-با توجه به اینکه رشته حضرتعالی عمران است از اقدامات صورت گرفته در خصوص عمران و احیای آب در مجلس و دولت جدید در خصوص تامین منابع آب بفرمایید.

پاسخ:

در خصوص تامین منابع آب اعم از راهکار های کوتاه مدت و بلند مدت، میتوان روی انتقال آب بین حوضه ای فکر

کرد، در خصوص باروری ابر ها میتوان فکر کرد، در خصوص آب های زیر زمینی ژرف میتوان فکر کرد و انتقال آب از دریای عمان هم میتوان فکر کرد. منتها در خصوص توزیع هم باید بحث عدالت و انصاف را مدنظر گرفت و هر طرح انتقال آب که می خواهد مطرح شود باید منافع همه ذی نفعان اعم از همه استان های درگیر با بحث کمبود و بحران آب لحاظ شود. بنده شخصا طرح انتقال آب از دریای عمان تا اردکان را بررسی کردم ، حتی دوبار از طریق وزارت دفاع به صورت هوایی با حضور نمایندگان محترم، حاج آقای نقدعلی و دکتر مقتدایی و تعدادی از کارشناسان آب و محیط زیست این خط را بررسی کردیم؛ در خصوص پروژه های باروری ابر ها طرح هایی را مطرح و دنبال کردیم، در خصوص آب های ژرف هم به این سرعت به نتیجه نخواهیم رسید.

در خصوص تامین آب پیشنهاد ما این است که مقداری آب از پشت سد کارون گرفته شود و در طول مسیر برای لردگان، سفید دشت، دوراهان، بروجن برای آنها تامین آب شود و نهایتا به نقطه چم آسمان ریخته شود . همین خط لوله پروژه بن- بروجن چهل میلیون مترمکعب آب انتقال دهد و این ها پمپاژ معکوس بکنند تا شهرستان بن ، به شرطی که این منطقه دیگر از پشت سد تنظیمی آب برداشت نکنند. اگر آب می خواهند آب باید به این شکل تامین شود ممکن است دوستان



خوزستان بگویند شما آب را از خوزستان برمیدارید ما می‌گوییم به هر اندازه‌ای که آب از این منطقه برداشت شود ما در آبادان و اهواز یا ماهشهر آب خلیج فارس را شیرین کرده و تحویل خوزستان می‌دهیم؛ و در عوض در چم آسمان این آب انتقالی از پشت سد کارون ۴ به رودخانه زاینده رود می‌ریزد؛ اگر برادران یزدی هم آب می‌خواهند در پروژه آب و آب شیرین کن خوزستان باید مشارکت کنند، این کار را اگر بخواهیم انجام دهیم یک ساله با چند پیمانکار میشود پروژه را عملیاتی کرد و طول پروژه هم ۱۳۰ کیلومتر بیشتر نیست و بیشتر آن هم در کنار جاده انجام می‌گیرد و امنیت خوبی هم پیدا می‌کند. قطعاً این پروژه در مقابل پروژه نابخردانه ای که می‌گوید آب را از خلیج فارس یا دریای عمان مستقیم تا فلات مرکزی ایران و تا اصفهان که حدود ۹۰۰ کیلومتر مسیر این کار هست بیاوریم بسیار معقول و به صرفه تر است. ده‌ها هزار میلیارد تومان هزینه احداث آن است و چندین هزار میلیون هزینه نگهداری آن در هر سال است مشکلات امنیتی را هم باید به آن اضافه کرد؛ در حالی است که ما اجازه می‌دهیم چندین هزار لیتر آب شیرین وارد خلیج فارس بشود و سپس شور بشود و ما دوباره بخواهیم با دستگاه آب شیرین کن آن را شیرین کنیم و پمپاژ کنیم برای فلات مرکزی؛ این پروژه را کسانی مطرح می‌کنند که بیشتر دنبال منافع اقتصادی و شرکت های آب شیرین کن

هستند؛ این کار اصلاً برای فلات مرکزی عقلانی نیست برای استان‌های جنوبی آب شیرین کردن و توزیع کردن در مناطق حاشیه خلیج فارس و دریای عمان معقول‌تر است. البته پیشنهادی هم که برای انتقال این چند صد میلیون آب عرض کردیم از پشت کارون ۴ لطمه‌ای به اکوسیستم و محیط زیست خوزستان نمی‌زند به خاطر اینکه آب سالیانه خوزستان حدود ۳۰ میلیارد متر مکعب است حالا ۲۰۰ میلیون متر مکعب به نسبت ۳۰ میلیارد متر مکعب اصلاً عددی نیست اگر می‌بینید زمستانها آب به مردم خوزستان خسارت می‌زند تابستان هم از تشنگی دچار مشکل می‌شوند به خاطر سوء مدیریت است که وجود دارد. اگر دوستان خوزستانی اعتراضی نسبت به این ۲۰۰ میلیون متر مکعب دارند حاکمیت باید آب شیرین کند و تحویل خوزستان بدهد؛ از طرف دیگر اگر دوستان نپذیرند مانعی ندارد سالیانه حدود ۸/۱ میلیارد متر مکعب آب از فریدن و سمیرم اصفهان خارج می‌شود ما هم جلوی خروج این آب را می‌گیریم و کاری به ۲۵۰ میلیون متر مکعب آب خوزستان نخواهیم داشت. منتها همان انتقال آب ۲۰۰ میلیون متر مکعب از پشت سد کارون ۴ و جایگزین آن با آب شیرین خلیج فارس در خوزستان به شکل تهاثر آبی پیشنهاد عملیاتی و کارشناسی شده مشخص ماست. با این کار در کوتاه مدت می‌شود سال آینده این معضل کم آبی سه استان را حل کرد که البته پروژه های بلند مدت هم مطرح است. اما در حوزه مصرف هم به تدریج در حال خروج صنایع آب بر از استان اصفهان هستیم به شکلی که در چند سال اخیر به سمت تصفیه پس آب فاضلاب برای مصرف فولاد مبارکه و ذوب آهن قدم برداشتیم رئیس فولاد مبارکه قول داده است. تا سه سال آینده کل آب مورد نیاز فولاد مبارکه اصفهان از پس آب فاضلاب تامین شود. هم اکنون نیز بیش از نیمی از آب مورد نیاز فولاد از



است.

خارج از این مسائل من از شما سوال دارم تفاوت مسئول جمهوری اسلامی با اروپا و آمریکا در چیست؟

اگر ما هم مثل آنها فکر کنیم مزیتی نداریم حالا این حرف ها را از مهندس عمران شنیدید این مهندس عمران و نماینده مجلس یک طلبه هم هست مسئول جمهوری اسلامی هم هست به نظر من راه حل کوتاه مدت مشکل آب اصفهان برای امسال ، دقت کنید برای امسال به جز نماز باران و توسل به درگاه خداوند متعال هیچ چیز نیست به عنوان کسی که همه این راه های فنی را در طول یک سال و نیم گذشته در طول مسئولیتم طی کرده و بررسی نموده ام اگر امروز هر کدام از پروژه های تامین آب را کلید

بزنیم و مشکل مالی، فنی مهندسی، اجتماعی و امنیتی

نداشته باشیم حداقل دو سال دیگر به نتیجه می رسیم.

بنابراین برای حل مشکل امروز اصفهان استغاثه به درگاه خداوند متعال و توکل و توسل تنها راه است. پیامبر فرمودند با توکل زانوی اشتر ببند؛ هم باید نماز باران خواند و هم باید این کارهای اجرایی را پیگیری و عملیاتی کرد (راهرو گر صد هنر دارد توکل بایش)؛ من این حرف ها را از طرف یک نماینده مجلس طلبه مهندسی خوانده می زنم من سکولار نیستم و مدبرعالم و فرستنده باران را (الله) تبارکت و تعالی می دانم. امیدوارم با یک اقدام ملی و در سطح کشوری این پیشنهادهای کارشناسی شده به زودی عملیاتی شود همه اینها باید با توکل و توسل انجام گیرد.

پس آب فاضلاب تامین می شود! بقیه صنایع را هم ملزم کرده ایم که از پس آب فاضلاب برای آب مورد نیاز صنایع خود از جمله پتروشیمی و ذوب آهن استفاده کنند. راه حل بعدی ما جلوگیری از توسعه صنایع علی الخصوص صنایع آب بر در بخش فلات مرکزی است. و اگر قصد توسعه اینگونه صنایع را داریم باید به فکر احداث آن در حاشیه دریای عمان و خلیج فارس باشیم و در خود اصفهان به سمت هایتک که آب بر نیستند حرکت کنیم این صنایع علاوه بر اینکه مصرف آب کمی دارند ارزش افزوده اقتصادی زیادی هم دارند. به این نکته توجه کنید که این ها در قالب طرح است و من به عنوان نماینده مجلس صحبت می کنند و مسئول اجرای کشور نیستند اجرای این طرح ها و پروژه های کارشناسی شده را از مسئولین اجرایی کشور باید بخواهید.

سوال:

-در مورد بحث بارور کردن ابرها چه اقداماتی صورت گرفته است؟

پاسخ:

در ابتدایی نمایندگی بنده ، یک گروهی مدعی توانمندی در حوزه بارور کردن ابرها بودند اما مسئولین وقت استان مقاومت جدی داشتند، در نهایت وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی و مسئولین استانی را متقاعد کردیم که شما هیچ هزینه ای را به عنوان پیش هزینه برای این پروژه ندهید و اجازه دهید تجهیزات این شرکت مستقر شود، در ازای هر متر مکعب که بر روی زمین آوردن شما پول پرداخت کنید. اما این گروه مدعی، در مقام عمل توان فنی انجام این کار را نداشتند و حتی گروه هایی از کشورهای خارجی از جمله آلمان پیشنهادهایی دادند ولی در حوزه تحقیقات موفق به انجام این کار نشدند! اگرچه ادعا های زیادی بود اما هنوز بازه تحقیقات این پروژه باز



اقتصادی

نقش صنعت گردشگری بر اقتصاد

محمدامین نوروزی / کارشناسی جامعه‌شناسی



صنعت گردشگری بزرگترین صنعت خدماتی جهان از نظر درآمدزایی شناخته شده است. رشد این صنعت، همواره آثار زیست‌محیطی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زیادی را به دنبال داشته است. توسعه‌ی صنعت گردشگری برای کشورهای در حال توسعه که با معضلاتی چون نرخ بیکاری بالا، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک‌محصولی مواجه‌اند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. افزایش گردشگری به عنوان یک منبع تامین مالی، سبب رشد و توسعه‌ی اقتصادی می‌شود. رشد اقتصادی یک کشور نه تنها تابعی از نیروی کار، سرمایه، صادرات و عوامل دیگر در آن کشور است، بلکه می‌تواند تحت تاثیر میزان گردشگر وارد به آن کشور نیز باشد. رشد صنعت گردشگری بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه، بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد. این کشورها گردشگری را به عنوان یک راه امیدبخش بالقوه برای دستیابی به رشد اقتصادی و انسانی تلقی می‌کردند. در کشورهای کوچک با منابع سرمایه‌ای کمتر، صنعت گردشگری عامل مهم راهبرد توسعه و برای کشورهای بزرگ‌تر، به عنوان یک منبع اضافی کسب درآمد و راهی برای پیشرفت مناطق کمتر

توسعه یافته در این کشورها است. رشد اقتصادی یکی از شاخص‌های کمی سنجش میزان پیشرفت اقتصاد کشورها بوده و عوامل اثرگذار بر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. این شاخص از عوامل متعددی تاثیر می‌پذیرد که در این میان ظرفیت‌های صنعت گردشگری، مانند ایجاد فرصت‌های شغلی، توسعه‌ی زیرساخت‌ها، ورود گردشگران خارجی، افزایش تقاضا برای کالاهای داخلی، افزایش صادرات و افزایش امکان سرمایه‌گذاری خارجی، از دلایل اصلی‌ای است که در راستای رشد اقتصادی باید بدان توجه ویژه‌ای داشت. با درک موقعیت برتر این صنعت در الگوهای مختلف توسعه‌ی اقتصادی، می‌توان رشد اقتصادی کشور را تقویت کرد.

دلایل پیشرفت صنعت گردشگری

براساس آمارهای منتشر شده از سوی سازمان جهانی گردشگری، دریافتی کل کشورها از محل گردشگری بین‌المللی در سال ۱۹۵۰، بالغ بر ۱/۲ میلیارد دلار بوده است که این رقم در سال ۲۰۰۷، به ۸۵۶ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۰، به یک تریلیون دلار رسیده است. همچنین، براساس گزارش این سازمان، ایران رتبه‌ی ۱۰ جاذبه‌های باستانی و تاریخی و نیز رتبه‌ی ۵ جاذبه‌های گردشگری‌های طبیعی را دارد؛ اما از لحاظ بهره‌برداری از این منابع در جایگاه مطلوبی قرار نگرفته است؛ چرا که سهم ایران با وجود رتبه‌ی ممتازش در جاذبه‌های گردشگری، از درآمد گردشگری جهان، حتی به یک درصد هم نمی‌رسد و متأسفانه، در چند سال گذشته، به





علت بی‌توجهی به امر گردشگری در ایران و نادیده گرفته شدن آن، کشور ما درآمد کلانی را که از این راه حاصل می‌شود، از دست داده است. به طور کلی تاثیرات اقتصادی گردشگری بر کشورها به صورت سه اثر مستقیم، غیرمستقیم و القایی می‌باشد:

تاثیرات مستقیم: تاثیرات مستقیم گردشگری بر اقتصاد کشورها شامل میزان درآمدی می‌شود که افراد در موسسات و یا شرکت‌های گردشگری مانند هتل‌ها، رستوران‌ها، فروشگاه‌های گردشگری و بنگاه‌های (آژانس‌های) مسافرتی به دست می‌آورند. طبق گزارش، صنعت گردشگری و مسافرت در ایران در سال ۲۰۱۴، توانسته ۴۱۳ هزار شغل (۸,۱٪ از کل اشتغال را) ایجاد کند. پیش‌بینی می‌شود که در پایان سال ۲۰۱۵ به ۴,۴٪ و تا سال ۲۰۲۵ با نرخ رشد ۳,۴٪ افزایش یابد.

تاثیرات غیرمستقیم: تاثیرات غیرمستقیم اقتصادی گردشگری شامل میزان افزایش درآمد افرادی است که در بخش عرضه گردشگری کار می‌کنند، مشاغلی مانند ترابری (حمل و نقل)، کشاورزی و صنایع دستی و... در ضمن از آنجایی که کشورهای در حال توسعه با مشکلاتی نظیر بیکاری بالا، محدودیت منابع ارزی و تک‌محصولی بودن اقتصاد مواجه می‌باشند، توجه به توسعه صنعت گردشگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین به منظور تنوع‌بخشی به منابع رشد اقتصادی، امنیت اقتصادی، درآمدهای ارزی و همچنین ایجاد فرصت‌های گوناگون شغلی در کشور، توسعه صنعت گردشگری که صادرات نامرئی نیز نامیده می‌شود، از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌باشد.

تاثیر القایی: تاثیر القایی گردشگری بر اقتصاد کشورها شامل افرادی می‌شود که از طریق خرج کردن درآمد شاغلان مستقیم و غیرمستقیم پشتیبانی می‌شوند. ذکر این نکته الزامی است که سنجش تاثیرات غیرمستقیم و القایی با

کمک میزان اثر ضریب تکاثری انجام می‌شود. تاثیر ضریب تکاثری به معنای میزان دفعات هزینه‌ی مقدار پولی است که گردشگران در داخل کشور مقصد خرج می‌کنند. بررسی وضعیت صنعت گردشگری در ایران و ملاحظه‌ی ارقام درآمدی ارزی حاصل از آن، حاکی از این است که به رغم این واقعیت که ایران یکی از ده کشور مهم جهان از نظر آثار تاریخی و باستانی است، کمتر از یک هزارم درآمد جهانی حاصل از گردشگری را نصیب خود کرده است. ایران با داشتن تنوع اقلیمی کم‌نظیر، فرهنگ و تاریخ کهن، آثار باستانی فراوان و جاذبه‌های طبیعی و دیدنی نادر، همواره جزو ده کشور برتر در زمینه‌ی دارا بودن منابع گردشگری شده است؛ با این حال، در میان ۱۵۰ کشور عضو سازمان جهانی گردشگری (WTO)، در امر گردشگری پذیرایی،

در مقام هفتاد و پنجم قرار دارد. به گزارش نشریه‌ی الکترونیک توسعه‌ی ترابری ایرانیان، براساس آمار سازمان جهانی گردشگری، شمار ورود گردشگران بین‌المللی در سال ۲۰۱۲، در حدود یک میلیارد نفر بوده است. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰، این شمار به رقمی بالغ بر ۶/۱ میلیارد نفر برسد. ارتباط مثبت بین گردشگری و رشد اقتصادی، نیاز به پیشبرد گردشگری در راستای حفظ رشد کشور را نشان می‌دهد. در این زمینه، تصمیم‌گیرندگان باید نرخ ارز را به گونه‌ای تثبیت کنند که باعث افزایش گردشگری، به عنوان مهم‌ترین رکن توسعه‌ی اقتصادی شود. گام نخست در بهبود صنعت گردشگری در ایران برقراری و تضمین امنیت فراگیر، هم در بعد خارجی و هم



یک رابطه مثبت بین گردشگری بر اقتصاد در کشورها وجود دارد. همچنین رابطه بین دو متغیر از گردشگری به سوی رشد اقتصادی می‌باشد.

در بعد داخلی اقتصادی و ملی آن است. به منظور تحقق این هدف، لازم است ضمن پیشبرد امنیت، با به‌کارگیری ارتباط‌افزارها و رسانه‌های بین‌المللی، وجود امنیت کامل در کشور را به سمع و نظر عموم مردم و جهانگردان همه‌ی کشورهای جهان رساند تا تصویر نادرست نبود امنیت در کشور، صنعت گردشگری را از رشد و توسعه باز ندارد. گردشگری، یکی از بخش‌های مهم اقتصادی است که توانسته است به عنوان یک صنعت پاک مطرح شود و ضمن افزایش درآمدهای ارزی برای اقتصاد ملی، کمک شایانی به رونق اشتغال و ایجاد درآمدها کند. از دیدگاه اقتصادی، گردشگری بین‌المللی بیشترین عایدی را ایجاد می‌کند. گردشگری، نقش مهمی در ترغیب سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، ایجاد درآمد برای دولت و اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم در سراسر دنیا داشته است. امروزه صنعت گردشگری به اندازه‌ای در توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی کشورها اهمیت دارد که اقتصاددانان آن را «صادرات نامرئی» نام نهاده‌اند. توسعه‌ی گردشگری، به دلیل تاثیرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی، نقش مهمی را در توسعه و رشد اقتصادی ایفا می‌کند. امروزه توسعه‌ی گردشگری در تمامی عرصه‌ها، چه در سطح ملی و منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی مورد توجه برنامه‌ریزان دولتی و شرکت‌های خصوصی قرار گرفته است. بسیاری از کشورها به صورت

فزاینده‌ای به این حقیقت پی برده‌اند که برای بهبود وضع اقتصادی خود باید ابتکار عمل به خرج داده و در صد یافتن راه‌های تازه‌ای برآیند. برای کشورهای مانند ایران، درآمدهای نفتی، یک نوع رانت اقتصادی تلقی می‌شود که فاقد هرگونه اثرات القایی مستقیم برای بالا بردن سطح تولید در اقتصاد است. در حالی که صنعت گردشگری به صورت زنجیروار با برخی فعالیت‌های اقتصادی، وابستگی دوسویه داشته و رونق آن، از لحاظ افزایش درآمدها در اقتصاد کشور میزبان تاثیر بسزایی است. در نتیجه توسعه‌ی گردشگری، اقتصاد کشور را از حالت تک‌محصولی خارج کرده، ثبات اقتصادی را به علت ثبات در درآمدهای ناشی از جذب گردشگری برای کشور به همراه خواهد داشت. امروزه توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورها به این صنعت به عنوان یک راهبرد توسعه‌ی اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی بیش از پیش معطوف شده و آثار مثبت اقتصادی آن مورد توجه دولت‌ها و ملل گوناگون قرار گرفته است. بسیاری از کشورها با بهره‌گیری از این صنعت به نقطه‌ی اوج اهداف مورد نظر دست یافته‌اند؛ به گونه‌ای که بیشترین درآمد خود را از

راه آن تامین کرده و در زمره‌ی کشورهای توسعه‌یافته‌ی جهان مطرح شده‌اند. با شرایط موجود و با توجه به اینکه ایران طبق آمار سازمان جهانی جهانگردی دارای رتبه‌ی پنجم جاذبه‌های طبیعی و رتبه‌ی دهم جاذبه‌های باستانی و تاریخی است و همچنین وجود جمعیت جوان روبه‌گسترش، نرخ بالای بیکاری، لزوم افزایش ارزآوری و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، توجه بیش از پیش به صنعت گردشگری می‌تواند زمینه‌ی رسیدن به اشتغال کامل، معرفی تمدن و فرهنگ ایرانی به جهانیان، تعامل گسترده و سازنده با کشورهای جهان، در هم شکستن مرزهای قومی و اقلیتی و از همه مهم‌تر، رشد اقتصادی را فراهم نماید.



وضعیت گردشگری و ظرفیت‌ها و محدودیت‌های آن

فاطمه منصوری / کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه گیلان



در آموزه‌های دینی به سفر توجه ویژه‌ای شده است؛ زیرا سفر باعث جلا یافتن روح انسان شده، او را تجربه‌گر می‌سازد. اگر دقت کنید، پی خواهید برد که معمولا در میان شاعران ایرانی، سعدی بیش از همه مورد تکریم و علاقه‌ی مردم (چه ایرانی و چه خارجی) قرار گرفته است؛ تا این اندازه که به سعدی فرمانروای ملک سخن می‌گویند؛ شاید بپرسید که ربطش چیست؟ خب با مقایسه با شاعرانی چون حافظ، فردوسی و... متوجه این ارتباط خواهید شد؛ سعدی انسانی بود اهل سفر، این سفرها باعث پخته شدن او شد ولی حافظ نه، در واقع او نمی‌توانست از زادگاهش دور شود

همه‌ی این‌ها را گفتم تا به این نکته برسیم که ایران، هم ظرفیت‌های گردشگری مهمی دارد (ایران جزو ۱۰ کشور برتر از نظر جاذبه‌های گردشگری قرار دارد) و هم اینکه آموزه‌های دینی و فرهنگی ما به رشد این صنعت در کشور کمک چشمگیری می‌کند؛ گرچه شوربختانه، ایران در جایگاهی که باید باشد نیست؛ منابعی رسمی این‌چنین برآورد کرده‌اند که سالانه باید گذرنامه‌ی ۳ میلیون گردشگر خارجی مهر بخورد، درحالی که در سال گذشته تنها گذرنامه‌ی حدود ۱ میلیون گردشگر خارجی مهر خورده است که این نشانگر بی‌توجهی سیاست کشور ما به این مقوله‌ی مهم است

در واقع باید توجه داشته باشیم که تا توسعه‌ها و زیر ساخت‌های لازم نباشد، گردشگر خارجی جذب نمی‌شود



شاید باورش سخت باشد، دست‌کم برای من که اولین بار سخت بود گردشگری را صنعت بنامم ولی امروزه نه تنها گردشگری یک صنعت است بلکه در رده‌بندی سودمندترین مشاغل، پس از صنعت نفت و ماشین‌سازی، دارای رتبه‌ی سوم است؛ عجیب‌تر از آن این است که به صنعت گردشگری صادرات پنهان و نامرئی هم می‌گویند

همین‌طور پژوهشگران با دیدن روند صعودی پیشرفت این صنعت به ما نوید آن می‌دهند که گردشگری به زودی پردرآمدترین شغل جهان شود. این روند با بیشتر شدن گرایش مردم به زندگی ماشینی صعودی‌تر شده است؛ همچنین، هرچه زندگی مردم رو به راحت‌تر شدن می‌رود، بیشتر متقاعد می‌شوند که باید به تفریح و سرگرمی خود اهمیت دهند، از این رو امروزه افرادی هستند که هر ماه چندین میلیون تومان (و حتی دلار) هزینه‌ی تفریح و سفر می‌کنند که البته توصیه‌ی ما به این افراد این است که در درجه‌ی اول پولشان را هزینه‌ی گردشگری درون‌مرزی کنند؛ که در این صورت به اصطلاح با یک تیر دو نشان زده‌اند: هم به تفریح و سرگرمی خود پرداخته‌اند و هم به پیشرفته‌تر شدن و بالاتر رفتن سطح زندگی مردمان یک منطقه کمک کرده-

اند



آشنایی با ظرفیت‌ها و آگاهی از محدودیت‌ها باعث بهبود اوضاع گردشگری خواهد شد.

شیراز، اصفهان، تبریز، قزوین و... هستند؛ اگر پایتخت‌های فرهنگی و زیارتی شیعی مورد توجه گردشگر باشد، مشهد، قم و شیراز هستند؛ اگر گردشگر ما کمی به غذایش اهمیت بدهد، گیلان و مازندران انتخاب خوبی هستند و قول می‌دهم نمک‌گیر شده، زمینهای سفرهای بعد هم فراهم می‌شود؛ یعنی برای هر سلیقه‌ای از هر طیفی

یکی از اقداماتی که برای جذب گردشگر می‌توان انجام داد، معرفی ظرفیت‌ها و جاذبه‌های ایران به کشورهای دیگر توسط وزارت خارجه است؛ همچنین وزارت گردشگری و صنایع‌دستی هم یکسری وظایف دارد که در سایت وزارت، رویت‌پذیر است، در اینجا عینا آن وظایف را درج می‌کنیم (این‌ها وظایفی است که خود سازمان گردشگری در تارنمایش منتشر کرده است)

۱. اجرای مفاد کلیه‌ی اسناد گردشگری دو یا چندجانبه‌ی منعقدشده میان جمهوری اسلامی ایران با طرف‌های خارجی از طریق مکانیسم‌های تعیین شده نظیر کمیته‌های فنی مشترک، گروه کاری و

۲. شناسایی همه‌جانبه‌ی ظرفیت‌های گردشگری کشورهای هدف جمهوری اسلامی ایران جهت توسعه و ارتقاء روابط گردشگری کشور

۳. اقدامات لازم جهت برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و خارجی، جشنواره‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها و سایر رویدادهای گردشگری و ارزیابی میزان کارایی و

در میان کشورهایی که در زمینه‌ی صنعت گردشگری سرآمد دیگر کشورها هستند، سوئیس و پس از آن، استرالیا و آلمان با اختلافی اندک قرار دارند. این کشور با بالا بردن فوق‌العاده‌ی سطح بهداشت و سلامت و خدمات رفاهی، توانسته در تمام زمینه‌ها و رشته‌های گردشگری رشد کند. افزون بر آن، این کشور در میان تمام کشورهای توسعه‌یافته، از هر جهت سرآمد است و صنعت گردشگری یکی از اصلی‌ترین شاخه‌های کسب درآمد در آن است

در میان کشورهای آسیایی، هنگ‌کنگ پرچم‌دار این صنعت مهم است و در میان کشورهای عربی خاورمیانه، امارات متحده‌ی عربی و پس از آن کویت دارای اهمیت می‌باشد. نکته‌ای که درباره‌ی امارات باید بدان توجه داشت این است که این کشور در آغاز، تنها با درآمد حاصل از فروش نفت توانست کشورش را بسازد، پس از آن، با ساخت برج‌ها و مراکز تفریحی مجلل، توانست گردشگر و سرمایه‌گذاران خارجی زیادی جذب کند

و اما ایران که پیش‌تر درباره‌اش سخن گفتیم: خوشبختانه، کشور ما یک کلکسیون از تمام گونه‌های جذب گردشگر است؛ برای مثال در حوزه‌ی تاریخی جزو برترین‌ها است و با داشتن تمدنی چندهزارساله، واقعا حرف‌هایی برای گفتن دارد؛ در حوزه‌ی طبیعی که همه‌ی ما از کودکی شنیده‌ایم، ایران جزو کشورهای چهارفصل است که این خود فرصتی طلایی برای جذب گردشگر است. گردشگر اگر بخواهد طبیعت آفریقایی ببیند، به ساحل‌های گرم جنوب، بیابان‌ها و شنزارهای لوت سر زده، کویرگردی می‌کند؛ اگر خواهان طبیعت اروپایی باشد، کافی است از سواحل دریای خزر و استان‌های حاشیه‌ی آن دیدن کند (هرچند که مسیر این راه هم خودش مسیری بسیار جذاب است و در صورت توجه، فرصت‌های شغلی زیادی ایجاد خواهد کرد)؛ اگر طبیعت کوهستانی بکر بخواهد، کوهستان‌های زاگرس انتخاب خوبیست؛ اگر هنر و معماری ملت‌ها مورد علاقه‌اش باشد،





اثربخشی آنها

در چارچوب مصوبات مقرر سازمان

۴. به‌کارگیری و اجرای طرح‌ها، روش‌ها و مکانیسم‌های شناخت و توسعه‌ی بازار، اطلاع‌رسانی و تبلیغات مطلوب در راستای افزایش ظرفیت‌های گردشگری

۵. نظارت و ارزیابی به منظور توسعه و توانمندسازی فعالیت دفاتر اطلاع‌رسانی گردشگری در داخل و خارج از کشور

۶. ارزیابی طرح‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های تبلیغاتی و بازاریابی گردشگری و بهبود کیفی آنها از طریق ارائه‌ی راهکارهای پیشنهادی

۷. معرفی و شناساندن امکانات، تسهیلات و همچنین انواع مختلف جاذبه‌های گردشگری کشور در قالب محصولات فرهنگی (پوستر، تیزر، لوح فشرده، رسانه‌های گروهی و...) با همکاری سازمان‌ها و واحدهای مربوطه و بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین اطلاع‌رسانی در داخل و خارج کشور

۸. نظارت بر برگزاری تورهای آشناسازی ویژه‌ی دست‌اندرکاران گردشگری و اصحاب رسانه‌ی داخلی و کشورهای بازار هدف

۹. همکاری، هماهنگی و نظارت بر برگزاری رویدادهای گردشگری توسط ادارات کل استانی و بخش‌های خصوصی

۱۰. استفاده از فن‌آوری‌های نوین برای تبلیغات، بازاریابی و معرفی ظرفیت‌های گردشگری کشور با همکاری مراجع ذی‌ربط

۱۱. برگزاری، میزبانی و شرکت در نشست‌ها و کمیته‌های فنی مشترک گردشگری با مقامات و سفرای کشورهای بازار هدف

۱۲. اقدامات لازم برای ایجاد ارتباط و حضور فعال در مجامع بین‌المللی گردشگری و اجرای سیاست‌ها و استراتژی‌های مصوب بازاریابی برای بازارهای هدف

۱۳. بررسی و ارائه‌ی طریق جهت گسترش و توسعه‌ی کمی و کیفی فعالیت گردشگری با سایر کشورها بالاخص کشورهای منطقه و کشورهای اسلامی

۱۴. ارائه‌ی طریق جهت حسن اجرای تعهدات جمهوری اسلامی ایران در اسناد مربوط به نشست‌های کارشناسان ارشد و وزرای گردشگری سازمان‌های تخصصی بین‌المللی



۱۵. تهیه و تنظیم برنامه‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی به منظور معرفی ظرفیت‌های گردشگری ایران در کشورهای خارجی و اجرای برند ملی گردشگری

۱۶. انجام هماهنگی‌های لازم در خصوص بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های نهادهای مختلف نظیر رسانه‌ی ملی، شهرداری‌ها، ناوگان حمل و نقل و... جهت فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی سفر و گردشگری در میان اقشار مختلف جامعه

۱۷. ایجاد بانک اطلاعاتی به منظور ثبت و ضبط اطلاعات کشورهای هدف و پیشرو در صنعت گردشگری و سایر بازارهای تحت مطالعه در بانک‌های مربوطه

۱۸. ارزیابی محیط بازاریابی در بازارهای هدف گردشگری ایران به منظور ارائه‌ی توصیه‌های لازم به بنگاه‌های داخلی جهت توسعه‌ی روابط گردشگری کشور

۱۹. ارائه‌ی بروشور، جزوات، پوستر، راهنماها و سایر محصولات فرهنگی با همکاری وزارت امور خارجه و سایر واحدهای سازمان به منظور معرفی قابلیت‌های گردشگری کشور، اطلاع‌رسانی و تبلیغات در مجامع و مراکز گردشگری خارج از کشور

۲۰. انجام اقدامات لازم جهت راه‌اندازی وبسایت چندزبانه‌ی گردشگری، تهیه‌ی اقلام تبلیغاتی و تولید و پخش تیزر و فیلم‌های مستند از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای برون مرزی با همکاری مراجع ذی‌ربط در جهت ارائه‌ی اطلاعات لازم در خصوص مراکز و جاذبه‌های گردشگری کشور در بازارهای هدف خارجی


کنون با وجود همه‌ی این موارد می‌توان نتیجه گرفت ایران از هیچ لحاظ کم ندارد، حتی بخاطر سقوط ارزش پول ملی برای کشورهای دیگر گزینه‌ای طلایی است، با این همه، باز هم با این وجود آمار گردشگران خارجی آن طور که انتظار می‌رود نیست؛ پس باید انقلابی در توسعه‌ی زیرساخت‌ها، تبلیغات، بالاتر رفتن سطح رفاه و فرهنگ مردم و گردشگران بومی

ایجاد شود
منابع؛

سایت وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی
روزنامه‌ی اعتماد ملی



وضعیت صنعت گردشگری در حال حاضر

فاطمه امیری / کارشناسی تاریخ 

دارند و فارغ التحصیلان رشته های زبان های خارجی هستند. اگر دانشجویان تاریخ بتوانند یک زبان خارجی بیاموزند میتوانند راهنماهای گردشگری خوبی بشوند. ما در دنیا شاخه های زیادی در صنعت گردشگری داریم. اصل مهم در این جا عنوان {صنعت} است اما چیزی که در ایران شاهد آن هستیم از نوع صنعت نیست بلکه بیشتر از جنس تفریح و بازی و سرگرمی است! اما در دنیا به چشم یک صنعت به آن نگاه میکنند. صنعت یعنی درآمد، یعنی پول، یعنی اقتصاد اما وضعیت ایران در این حوزه بسیار اسف بار است.

امیری: شاخه های متفاوت صنعت گردشگری که به آن اشاره کردید در چه حوزه هایی هستند؟

دکتر شجاعی مهر: این صنعت شامل شاخه های مختلفی است و در کشورهایی که صنعت توریست قوی دارند تمام شاخه های آن رونق دارد اما در ایران فقط شاهد گردشگری مذهبی هستیم که تنها یکی از شاخه های گردشگری است چرا که شاخه های متفاوتی مثل: فرهنگی ، هنری ، قومی ، اجتماعی ، مذهبی، تفریحی ، درمانی ، بازرگانی آشپزی و غذایی و... را شامل میشود.

امیری: جایگاه ایران در صنعت گردشگری بین کشورهای جهان چگونه است؟

دکتر شجاعی مهر: ارزش صنعت گردشگری جهان در سال ۲۰۱۶ ، ۳/۲ تریلیون دلار بود که ۱۰۹ میلیون نفر به طور مستقیم در آن مشغول به کار بودند. در سال ۲۰۱۷ این رقم به ۶/۷ تریلیون دلار و ۲۹۲ میلیون نفر افزایش یافته به طوری که در سال ۲۰۱۷ ، ۲/۱۰ درصد از GDP (تولید ناخالص



مصاحبه با دکتر حسن شجاعی مهر از اساتید گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

امیری : به عنوان مقدمه ای برای ورود به بحث لطفا یکسری توضیحات در رابطه با صنعت گردشگری و جایگاه آن در بین صنایع مختلف بفرمایید

دکتر شجاعی مهر : ما در دانشگاه شهید بهشتی به همت دکتر اکبری که هم مدت ها مدیر گروه تاریخ و رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی بودند برای اولین بار در ایران به پیشنهاد من اولین درس عملی به نام راهنمای گردشگری فضاهای تاریخی ایران در دانشگاه ایجاد شد و شش ترم این درس توسط من تدریس گردید و به عنوان یک درس اختیاری اما عملی خیلی مفید بود. من احساس میکردم دانشجویان هدفمند میشوند و میدانند که این رشته به عنوان راهنمای توریست تاریخی هم به کار می آید ، پس دانشگاه شهید بهشتی از این نظر ممتاز است که در یک رشته نظری درسی عملی تعریف شده و سوال امتحان ندارد، فقط هرکسی باید قادر باشد به صورت کامل بنا یا فضاهای تاریخی را برای توریست خارجی توضیح دهد و در دنیا اغلب راهنماهای گردشگری فارغ التحصیل رشته تاریخ میباشند در حالی که در ایران افرادی تور هستند که دانش اندکی از تاریخ





داخلی) جهان به این صنعت تعلق داشت. در حالی که گردشگری حتی نیم درصد اقتصاد کشور ما را شامل نمیشود. این یعنی در سال ۲۰۱۷ یک شغل از هر ده شغل دنیا مربوط به صنعت وسیع گردشگری است. در سال ۲۰۱۸ به ۳۱۹ میلیون شغل افزایش میابد و این صنعت سال به سال در حال رشد است اما در سال ۲۰۲۰ که شاهد کرونا بودیم این ارقام به طرز شدیدی کاهش یافت و در اصل صنعت گردشگری مثل سایر اقتصادها آسیب فراوان دید.

امیری: با توجه به این آمار کدام کشورها در صدر قرار میگیرند؟

دکتر شجاعی مهر: ما در این حوزه دو نوع آمار داریم، یک آمار تعداد توریست یک کشور و یک آمار درآمد توریست یک کشور که در ایران رسانهها به طور عمدی یا سهوی این دو را ترکیب میکنند و آماری مبنی بر تعداد توریستها بیان میکنند در حالی که اصل قابل اهمیت آن است که چه میزان از این درآمد جهانی سهم ایران است؟

این باور رایج که گمان میکنیم هرچقدر تعداد توریست یک کشور بالا باشد به تناسب درآمد بالایی خواهد داشت کاملاً غلط است. سالهاست که بین فرانسه و اسپانیا برای اول شدن در جذب تعداد گردشگر رقابت است، چنانکه در سال ۲۰۱۹

هشتاد و نه میلیون نفر از فرانسه دیدن کرد و هشتاد و سه میلیون نفر از اسپانیا. کشور های آمریکا، چین ایتالیا، ترکیه، مکزیک، تایلند، المان وانگلیس به ترتیب در رده های سوم تا دهم در جذب تعداد توریست در دنیا در سال ۲۰۱۹ هستند. باید بدانیم که اصل مهم تعداد گردشگران نیست، بلکه درآمد حاصل از آن است. در همان سال در قاره افریقا مصر، مغرب، افریقای جنوبی، تونس، الجزایر، زیمبابوی، موزامبیک، ساحل عاج، کنیا، بوتسوانا به ترتیب رتبه های اول تا دهم را دارا هستند. در قاره آمریکا به ترتیب آمریکا، مکزیک، کانادا، آرژانتین، دومینیکن ریپابلیک، برزیل، شیلی، پرو، کوبا و کلمبیا هستند. در آسیای شرقی چین، تایلند، ژاپن، مالزی، هنگ کنگ، ماکائو ویتنام، هند، کره جنوبی و اندونزی. در قاره اروپا فرانسه اول و اسپانیا، ایتالیا، المان، انگلیس، اتریش، یونان پرتغال، روسیه رتبه های بعد را دارند. اما در خاورمیانه کشورهای عربستان، امارات، مصر، ایران، اسرائیل، اردن، بحرین، عمان، قطر، لبنان رتبه های اول تا دهم را دارند با اینکه در اینجا ایران رتبه چهارم را دارد اما خیلی قابل اهمیت نیست

چرا که این رتبه بندی بر اساس آمار تعداد گردشگر است نه درآمد! و اگر در رسانهها میشنویم در سالهای اخیر گردشگری در ایران رشد داشته این رشد تعداد است. اما آمار ده کشور اول دنیا که بیشترین درآمد را از توریست کسب کردند، به این شکل است آمریکا با ۲۱۴ میلیارد دلار و اسپانیا، فرانسه، تایلند، انگلیس، ایتالیا، ژاپن، استرالیا، المان، چین در رده ده کشور اول جهان براساس درآمد حاصل از توریست هستند، حتی بسیاری از کشورهایی که براساس رتبه بندی تعداد توریست در رده های بالا بودند در این رتبه بندی درآمدی جایگاهی ندارند. پس مهم نیست چه تعداد توریست



در کشوری وارد میشود مهم آن است که توریست ها در کشور چقدر پول خرج خواهد کرد؟ که رسانه های ما این مطلب را بیان نمیکنند .

امیری: با توجه به اینکه ایران در خاور میانه از نظر تعداد توریست جایگاه خوبی داشته وضعیت آن بر اساس معیار درآمد چگونه است؟

دکتر شجاعی مهر: در خاور میانه طی سال ۲۰۱۹ که آمارهای قبلی هم در همان سال بررسی کردیم عمارات به لحاظ درآمد با ۲۱ میلیارد دلار اول است و ایران با فقط ۴ میلیارد دلار در خاور میانه رتبه هشتم را دارد ، با اینکه از نظر تعداد گردشگر رتبه بالایی دارد اما آن تعداد در ایران تنها ۴ میلیارد دلار هزینه کرده اند و این اصلا وضع خوبی نیست، چرا که باید دید یک کشور چقدر در بحث توریست هزینه میکند یعنی به نوعی این ۴ میلیارد دلار هزینه دریافتی است، به این معنی که ایرانی ها در سال ۲۰۱۹ در خارج از کشور ۱۵ میلیارد دلار هزینه کردند اما توریست های خارجی در ایران تنها ۴ میلیارد دلار هزینه کردند. پس ۱۱ میلیارد دلار رشد منفی داشته ایم. جالب است بدانیم چینی ها بیشترین هزینه را در بخش توریست در کشور های مختلف خرج میکنند و این رقم در سال ۲۰۱۹ به ۲۵۴ میلیارد دلار میرسد و درآمد آنها از توریست ۵۰ میلیارد دلار است پس چین هم رشد منفی داشته ! اما با این تفاوت که چین کشوری صنعت است به همین ترتیب کشورهای آلمان و

انگلیس و فرانسه و تمام کشورهای صنعتی هم رشد منفی داشتند اما بحث مهم این است که ایران کشوری صنعتی نیست درآمد دیگری به جز نفت ندارد در حالی که میبایست بعد از نفت از راه توریست بیشترین درآمد را داشته باشد که ندارد .

امیری: چه سیاست هایی برای رسیدگی به این بحث میتوان در نظر گرفت؟

دکتر شجاعی مهر: اول باید دید کدام کشور در بحث گردشگری بیشترین هزینه را در سایر کشورها صرف میکند که قبل تر به چین اشاره کردیم، چینی ها میتوانند در ایران پول زیادی خرج کنند اما لازمه آن فراهم کردن زمینه هایی است از جمله آموزش زبان چینی ، پرورش راهنماهای تور مسلط به زبان انگلیسی و چینی، آشنایی با فرهنگ چین و سلیقه مردم آنجا ، باید بدانیم از چه مکان هایی و چه نوع غذاهایی استقبال میکنند؟ کشور دیگری که مثل چین میتوان به آن توجه نمود آمریکا است که به علت مشکلات فی مابین این کشور با ایران از آن صرف نظر میکنیم. آلمان سومین کشوری است که در صنعت توریست پول خرج میکند پس توجه به فرهنگ و زبان آلمانی ضرورت دارد. انگلیس و فرانسه و روسیه ، استرالیا و کانادا ، کره جنوبی و ایتالیا به ترتیب در رده های بعدی قرار دارند پس لازم است سراغ این





کشور ها برویم. توریست عراقی و عربستانی درآمدی به کشور تزریق نمیکنند توریست چینی و آلمانی و فرانسوی و روسی است که درآمد می آورد. پس راه حل آن است که بدانیم چه ممالکی بیشترین پول را در صنعت توریست خرج میکنند و تمرکز را بر زبان و فرهنگ آنها بگذاریم.

امیری: ظرفیت های گردشگری ایران در قیاس با کشورهای رده اول چگونه است؟

دکتر شجاعی مهر: در این جا لازم است به میراث جهانی یونسکو اشاره ای کنیم که هر سال تعداد زیادی از آثار در زمینه های مختلف در آن ثبت میشوند که در سال ۲۰۲۰، ۱۱۴۵ اثر در یونسکو ثبت شده تعداد آثار معنوی ثبت شده نیز به ۵۴۹ میرسد و ایران با ثبت ۱۳ میراث معنوی رتبه هفتم را دارد در حالی که آمریکا اصلا در این لیست جایی ندارد و میراث معنوی ثبت نکرده است. این میراث معنوی شامل: موسیقی ردیف، فرش کاشان، موسیقی خراسانی، ورزش زورخانه ای، تعزیه، نقالی، نان لواش، نوروز، کمانچه، چوگان و...

امیری: شرایط ثبت یک اثر در یونسکو چیست و چرا آثار مهم بسیاری مثل طاقبستان و نقش رستم و یا حرم امام رضا هنوز در یونسکو ثبت نشدند؟

دکتر شجاعی مهر: شش معیار برای ثبت در یونسکو وجود دارد که هر اثر یا مکان باید دارای یک یا چند شرط از شروط زیر باشد

۱- نشان دهنده یک شاهکار از نبوغ و خلاقیت انسانی باشد

۲- نشان دهنده تبادل ارزش های بشری در یک بازه زمانی در یک منطقه فرهنگی از لحاظ پیشرفت در معماری یا فناوری برنامه ریزی شهری یا طراحی چشم انداز باشد

۳- گواهی بی همتا یا دست کم استثنایی بر یک سنت فرهنگی یا تمدن زنده یا از میان رفته باشد

۴- نفوذ برجسته در معماری یا تکنولوژی که مرحله مهمی از تاریخ بشر را نشان میدهد

۵- به طور مستقیم مرتبط با رویداد ها یا سنت زندگی، افکار، عقاید یا آثار هنری یا ادبی دارای اهمیت عالی جهانی باشد

۶- نفوذ برجسته ای از تعامل انسان و محیط زیست یا نماینده یک فرهنگ باشد

اگر حرم امام رضا ثبت نشده به این دلیل نیست که شامل این شروط نمیشود دلیل آن است که هر اثر بعد از ثبت باید تحت پوشش یونسکو قرار گیرد، یعنی هر فردی با هر دین و عقایدی از هر کشوری آزادانه توان رفت و آمد به آن مکان را داشته باشد، اگر قرار باشد غیرمسلمانان

اجازه بازدید از حرم را نداشته باشند پس یونسکو اجازه ثبت نمیدهد. ضمن اینکه برای ثبت یک اثر باید آن کشور تعهداتی به یونسکو بدهد از جمله اینکه منظره و چشم انداز آن را دچار آسیب نکنند، برج و مترو نزدیکی آن ساخته نشود و... پس در مورد آثاری مثل طاقبستان که هنوز در انتظار ثبت یونسکو است چنین موانعی موجود است. در بین تمام کشور ها ایتالیا با ۵۸ اثر در یونسکو رتبه اول را دارد و ایران با ۲۶ اثر رده نهم جهانی را دارد پس رتبه ما از نظر آثار ثبت جهانی بالاست اما درآمد ما در رده پنجاه هم نیست! با اینکه آمریکا با ۲۴ اثر مادی و بدون اثر معنوی از نظر درآمد در جهان اول است. یعنی درآمد کشور ها از صنعت توریست ارتباطی با تعداد آثار ثبت



شده آنان در یونسکو ندارد. حتی ترکیه هم مثل آمریکا با ثبت ۱۹ اثر در رده پایین تر از ایران قرار دارد اما درآمد ایران از صنعت توریست یک بیستم ترکیه هم نیست. ما از جهت تعداد آثار ثبتی و تعداد آثاری که در انتظار ثبت هستند بسیار قوی هستیم اما زمینه های صنعتی شدن توریست را اصلا نداریم .

امیری: این ۲۶ اثری که به نام ایران ثبت شده چه آثاری هستند و کدام آثار در انتظار ثبت میباشند؟

دکتر شجاعی مهر: این ۲۶ اثر از زمان پهلوی تا امروز ادامه دارد و در سراسر کشور پراکنده است که شامل میدان نقش جهان اصفهان، پرسپولیس، چغازنبیل، تخت سلیمان ، ارگ بم ، پاسارگاد ، سلطانیه، بیستون، کلیساهای ارمنی در اذربایجان، دستگاه آبرسانی شوشتر ، شیخ صفی الدین اردبیلی ، بازار تبریز، کاخ گلستان، قنات ها، مسجد جامع اصفهان ،باغ های ایرانی ،شهر سوخته، مجموعه میمند، شهر شوش ، کویر لوت ،شهر یزد، آثار ساسانی در فارس ،جنگل هیرکانی .

آثاری که در لیست انتظار داریم شامل قصر شیرین ، مسجد اصفهان ، فیروز اباد، نقش رستم ،تپه سیلک، طاق بستان کوه خواجه، کوه دماوند ، دریاچه لار، مسجد کبود تبریز و ..

امیری: با وجود این ظرفیت ها چگونه توریست ایران را صنعتی کنیم و مثل حال حاضر از نظر درآمد ۱۵ میلیارد رشد منفی نداشته باشیم؟

دکتر شجاعی مهر: لازمه آن این است که به توریست به عنوان صنعت نگاه کنیم ، همانطور که در صنعت نفت وزارت نفت است و برنامه ریزی ها و سرمایه گذاری صورت میگیرد و یا مثل خودرو سازی و کشاورزی که تا حد زیادی هزینه میکنیم و حتی رشته دانشگاهی داریم. اما ما در بخش توریست و در حوزه آموزش چه اندازه کار کرده ایم؟ چه میزان هتلدار آموزش یافته و با مهارت داریم؟ چقدر دانشجویان تاریخ را برای اینکه قادر به توضیح آثار تاریخی باشند آموزش داده ایم؟ در حال حاضر یک دانشجوی لیسانس تاریخ چقدر میتواند درباره یک


بنا مثلا کاخ گلستان تهران توضیحاتی حتی به زبان فارسی بیان کند؟ از هنر و معماری چه میداند؟ از سبک ها و خط ها و مینیاتور چه میداند؟ ضمن اینکه عدم تسلط به زبان های خارجی هم بر این مشکلات افزوده. پس چگونه میخواهیم توریست جذب کنیم هنگامی که از فرهنگ و زبان و آداب و سنن چینی ها و آلمانی ها که بیشترین هزینه را در توریست صرف میکنند چیزی نمیدانیم؟ رشته های تخصصی بسیار زیادی است که باید در دانشگاه ها ترویج و تقویت شود از جمله هتلداری و صنعت غذا و... و آموزش زبان تنها یکی از ابزار این مسیر است. یکی از مهم ترین نکات آن است که به روانشناسی و سلاقی این کشورها آگاه باشیم ، بدانیم آنها چه چیزی را با چه شکل و ظاهری به عنوان ارمغان و هدیه از ایران خریداری میکنند؟ چگونه آثار هنری ایران را در قالب یک شیء خاطر انگیز به توریست عرضه کنیم؟ چرا که درآمد توریست تنها از راه بلیط و هتل و خرید غذا نیست بخش مهم آن است که بدانیم بر اساس روانشناسی مردم آن کشور چه چیزی مطابق با سلاقی آنها است که میتواند آنان را به خرید تشویق کند و در اصل چیزی

متناسب با فرهنگ و تاریخ ایران باشد نه کیف و کفش ولباسی که در کشورهای خودشان هم موجود است. چیزی متعلق به ایران که در کشور خودشان یافت نشود. اما ما چقدر روی این موضوعات به شکل حرفه ای کار کرده ایم؟ شناختی از سبیل های آثار هنری ایران داریم؟

بحث امروز بیشتر مبتنی بر تشریح وضع حال حاضر ایران بود که بدانیم در چه جایگاهی قرار داریم اما بررسی این موضوع که در این راستا چه باید کرد توضیحات مفصل تری میطلبد.



اجتماعی

فاطمه خواجه / کارشناسی ارشد علوم قرآنی 

با در هم آمیختن روزافزون
رسانه با زندگی ما، آگاهی از
چگونگی استفاده از آن اهمیت
ویژه‌ای دارد.

ضرورت سواد رسانه‌ای:

تا این جا باید تا حدودی مشخص شده باشد که چرا به سواد رسانه‌ای نیاز داریم. امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که خواه ناخواه در شرایط اشباع رسانه‌ای قرار دارد؛ فضای پیرامون ما سرشار از اطلاعات است؛ به عنوان مثال وقتی تلفن همراه یک نفر به صدا درمی‌آید، این اطلاعات موجود در فضا است که پل ارتباط او با تماس‌گیرنده شده؛ یا یک مودم که می‌تواند افراد را به جهان بی‌انتهای اینترنت بکشاند، نشانه‌ای دیگر است از همین شرایط حاکمیت اشباع رسانه‌ای بر جهان؛ یا حالا که میلیون‌ها روزنامه و مجله و کتاب و خبرگزاری و شبکه‌ی تلویزیونی از زمین و زمان می‌بارد، همه نیاز دارند به این که در برابر چنین فضایی، چتری بر سر گیرند و یک رژیم مصرف اتخاذ کنند. همه نیازمندند در انتخاب‌هایشان بیشتر دقت کنند، درست مانند آنچه مردم در مورد تغذیه‌ی خودشان عمل می‌کنند. چون مردم اکنون باسوادتر شده‌اند، مراقب هستند که در غذایی که مصرف می‌کنند چقدر کلسترول، ویتامین و یا مواد دیگر باید باشد؛ در فضای رسانه‌ای هم باید دانست چه مقدار باید در

با پیشرفت روزافزونی که در جهان رخ می‌دهد، همه‌ی آدمیان نیازمند استفاده از وسایل هوشمند هستند که برای استفاده‌ی بهتر از آن نیز نیازمند درک سواد رسانه‌ای هستند؛ که براساس این سواد رسانه‌ای می‌توانند انواع رسانه‌ها و پیام‌رسان‌های مجازی و مزیت‌ها و مضرت‌های آن را بشناسند. آدمیان امروزه برای انجام دادن اکثر کارهای خود نیازمند ابزار هوشمند از جمله تلفن همراه که برای انتقال ارتباط و بسیاری از کارهای روزمره از آن استفاده می‌شود هستند.

سواد رسانه‌ای: (Media Literacy)

در یک تعریف بسیار کلی، سواد رسانه‌ای عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که براساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و انواع تولیداتشان را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد.

این درک به چه کاری می‌آید؟ به زبان ساده، سواد رسانه‌ای مثل یک رژیم غذایی است که هوشمندانه مراقب آن است که چه موادی مناسب هستند و چه موادی نامناسب؛ چه چیزی را باید مصرف کرد و چه چیزی را نباید و یا این که میزان مصرف هر ماده بر چه مبنایی باید استوار باشد. سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها بیاموزد که از حالت انفعالی و مصرفی خارج شده و به معادله‌ی متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند که در نهایت به نفع خود آنان باشد. به دیگر سخن، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا از سفره‌ی رسانه‌ها به گونه‌ای هوشمندانه و مفید بهره‌مند شویم.

عکس‌ها، ویدیوها و انواع اسناد را با یکدیگر به اشتراک بگذارند؛ جالب اینجاست که ایرانیان بیشترین کاربران حاضر در تلگرام را تشکیل می‌دهند. بعضی از کارشناسان و صاحب‌نظران معتقدند که فیلتر شدن و محدودیت دسترسی به شبکه‌های دیگر مثل فیس‌بوک، وایبر و لاین باعث هدایت مردم به تلگرام شده است.

پرطرفدارترین برنامه‌ی اشتراک عکس

در حال حاضر اینستاگرام پس از تلگرام، دومین شبکه‌ی اجتماعی محبوب در ایران است. این برنامه‌ی پرطرفدار آمریکایی در ابتدا تنها یک ابزار ساده برای اشتراک‌گذاری عکس بود اما در سال ۲۰۱۲ فیس‌بوک این برنامه را خرید و این موضوع باعث رشد چشم‌گیر ۲۳ درصدی این برنامه - که ۲۰ برابر بیش‌تر از میزان رشد خود فیس‌بوک بود شد.

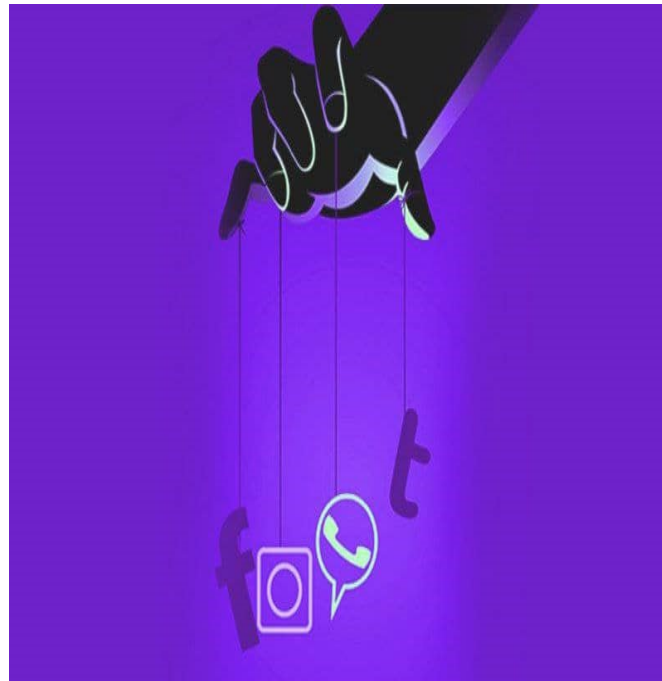
حالا دیگر شمار زیادی از فروشگاه‌ها و شرکت‌های گوناگون هم، صفحه‌ی اینستاگرام ساخته‌اند و اجناس و خدمات خود را معرفی کرده و حتی به فروش آنلاین پرداخته‌اند. از سوی دیگر کاربران معمولی هم برای به اشتراک‌گذاری و جمع‌آوری لایک به رقابت می‌پردازند و بازار مکاره‌ی خرید و فروش لایک‌های بیهوده نیز در این فضا ایجاد شده است.

کوچ ایرانیان از فیس‌بوک

فیس‌بوک یکی از محبوب‌ترین شبکه‌های مجازی در ایران و سراسر دنیا بود و در واقع اولین شبکه‌ای بود که استقبال گسترده‌ای از آن شد (گرچه خیلی زود هم طرفداران خود را از دست داد). بحبوحه‌ی فراگیری فیس‌بوک در ایران، سال ۱۳۹۰ بود که ۱۷ میلیون کاربر ایرانی در آن عضو بودند.

پاتوق خبرنگاران و سیاست‌مداران ایرانی

اگرچه توییتر (Twitter) طرفداران زیادی در بین مردم عادی ندارد، سیاست‌مداران، خبرنگاران و دنبال‌کنندگان اخبار از اصلی‌ترین طرفداران این شبکه‌ی اجتماعی



معرض رسانه‌های مختلف اعم از دیداری، شنیداری و نوشتاری بود و چه چیزهایی را باید از آن‌ها برداشت.

پرطرفدارترین پیام رسان ایران:

تلگرام

قابلیت‌هایی همچون ایجاد کانال، گروه‌های کاری، خانوادگی و دسترسی آسان به آن از جهت گوشی‌محور بودن و فیلتر نبودن آن، این اپلیکیشن را به سرعت به پرطرفدارترین پیام‌رسان ایران تبدیل کرد. اکنون حتی فیس‌بوک که زمانی بزرگ‌ترین شبکه‌ی اجتماعی کاربران ایرانی محسوب می‌شد در برابر تلگرام حرفی برای گفتن ندارد و این پیام‌رسان ساده به عنوان بزرگ‌ترین پاتوق مجازی ایرانیان شناخته می‌شود.

طبق آخرین آمارهای منتشر شده، هم‌اکنون بیش از ۴۵ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر کاربر ایرانی در تلگرام عضو می‌باشند و در واقع حدود نیمی از جمعیت کشور در تلگرام فعالیت می‌کنند که در نوع خود آمار بی‌نظیری است و درآمد بسیاری را نصیب صاحبان این برنامه‌ی روسی می‌کند. این پیام‌رسان محبوب در تمامی سیستم‌عامل‌های روز شامل اندروید، آی‌اواس، ویندوز فون، لینوکس و ویندوز اجرا می‌شود؛ کاربران می‌توانند به سادگی، پیام‌ها،





می‌باشند. توییتر در سال‌های قبل محدودیت ۱۴۰ کاراکتری برای ارسال پیام مستقیم داشت اما کاربرانی که می‌خواستند هر لحظه در جریان اخبار قرار گیرند، از آن استقبال کردند.

حضور سیاست‌مداران و خبرنگاران رسانه‌ها در توییتر و توییت کردن اخبار در لحظه، موجب شد تا سرعت انتقال اخبار در این شبکه حتی از خبرگزاری‌ها نیز پیشی بگیرد و آن را تبدیل به یکی از محبوب‌ترین شبکه‌های مجازی در سراسر دنیا کند.

لاین؛ ارسال پیام و قابلیت تماس صوتی

لاین (Line) برنامه‌ای است که افزون بر ارسال و دریافت پیام، امکان تماس تلفنی را نیز در اختیار کاربران خود قرار می‌دهد. این ویژگی باعث شد تا در دوره‌ای که تماس صوتی وایبر در ایران با محدودیت مواجه شده بود، لاین به پیام‌رسانی محبوب تبدیل شود. گرچه تماس صوتی لاین با تاخیر یکی دو ثانیه‌ای همراه بود و امکان تماس تصویری نیز وجود نداشت.

واتس‌اپ؛ انتقال فایل‌های گوناگون بدون پایین آمدن کیفیت

واتس‌اپ (WhatsApp) در آغاز فعالیت خود اعلام کرده بود که تنها برای یک سال، خدمات خود را به صورت رایگان

به کاربران ارائه خواهد داد اما سازندگان آن پس از مدتی متوجه شدند که در بازار به شدت رقابتی پیام‌رسان‌های موبایلی، جایی برای برنامه‌های پولی وجود ندارد، از این رو، واتس‌اپ برای همیشه رایگان باقی ماند.

سایر شبکه‌ها و پیام‌رسان‌های پرتعداد ایران

ایمو (Imo)، تانگو (Tango) و اسکایپ (Skype) سایر برنامه‌های حاضر در فهرست محبوب‌ترین شبکه‌های مجازی در ایران هستند؛ ایمو و تانگو اکثر محبوبیت خود را مدیون

تماس تصویری می‌باشند اما تانگو، اکنون به دلیل قطعی‌های مکرر و کیفیت پایین عکس، تعداد زیادی از طرفداران خود را از دست داده و اسکایپ و ایمو جای آن را پر کرده‌اند.

براساس آمارهای گرفته شده، انسانها برای اکثر کارهای خود از فضای مجازی و پیام‌رسان‌های مختلف استفاده می‌کنند که گاهی استفاده‌هایی که بی‌آگاهی رخ می‌دهند، به آدمی زیان جانی و آبرویی می‌رسانند، البته گاهی هم از طریق همین فضای مجازی کسب درآمد می‌شود؛ پس برای استفاده‌ی بهتر نیازمند سواد رسانه‌ای هستیم. طبق آمار، مردم ایران از تلگرام و پس از آن، اینستاگرام، بیشترین استفاده را دارند که هر دو پیام‌رسان‌هایی غربی هستند و چه خوب است که از





با شناخت آسیب‌های رسانه‌ای می‌توان از وقوع آن جلوگیری کرد.

خواسته یا ناخواسته در برابر انبوهی از اطلاعات قرار میدهد و این امر معضلاتی در حوزه اخلاق خانواده ایجاد میکند. سستی بنیاد خانواده و افزایش شمار

طلاق در جوامع یکی از موضوعات مطرح شده در

حوزه شبکه‌های مجازی و رسانه‌های مدرن است، موضوعی که موجب خدشه دار شدن سبک زندگی

ایرانی اسلامی میگردد. پس به طور کلی به

خطرات فساد حریم شخصی افراد و نیز گسیختگی

بنیاد خانواده از پیامدهای این امر است. حتی در

بسیاری از رسانه‌ها مقولات خطرناکی مانند عادی

سازی سردی روابط زن و شوهر، همجنس‌گرایی و ...

دیده میشود. محققان متعدد فضای مجازی را بسیار

بر هویت اعضای خانواده‌ها و تعاملات زناشویی موثر

میدانند. تلفن همراه ممکن است با فراهم کردن

زمینه گسترش ارتباطات خارج از نظارت خانواده

موجب بدگمانی زوجین به یکدیگر، افزایش بی

توجهی به قول و قرارها و تعهدات خانوادگی،

از همان زمان که اینترنت قدم به فضای زندگی انسان‌ها نهاد بیش از مزایا و فرصت‌هایی که برای نسل بشر فراهم آورد نگرانی‌هایی بر خانواده‌ها تحمیل نمود که در تمامی جوامع موضوعیت داشته و محدود به اقلیت خاصی نمیشود. چنانکه مشهود است ظهور تکنولوژی‌های نوین بسیاری از کارکردهای خانواده را دچار اختلال کرده. فضای مجازی نسل جدیدی از روابط اجتماعی است که موفق شده به خوبی در زندگی مردم جا باز کند. از طرفی هر یک از شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های مدرن هر کدام به نوبه خود بخشی از فرایند تاثیرگذاری در خانواده را هدف قرار داده‌اند. برخی شبکه‌های ماهواره‌ای به طور تخصصی تمام تمرکز خود را بر مقوله خانواده گذاشتند و در حال ترویج خانواده‌هایی بی سامان و لجام گسیخته هستند.

نارضایتی در خانواده:

یکی از بزرگ‌ترین مباحث اجتماعی که جوامع امروزی به آن

مبتلا هستند ضعف بنیاد خانواده است، پس خانواده و

سلامت آن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار میباشد. یکی از

علل بروز نارضایتی‌ها و معضلات عمیق در خانواده‌ها تحت

تاثیر فضای مجازی است و موجب آن شده که سطح توقع از

زندگی‌های مشترک را به ویژه در نسل جوان بالا ببرد. شبکه

های اجتماعی مجازی همزمان دارای فرصت‌ها و تهدیداتی

است که هم موجب کسب حمایت‌های اجتماعی در خانواده

میشود و هم تعاملات درون خانواده را دچار اختلال

میکند. شواهد نشان میدهد دسترسی آسان به این فضا برای

تمامی اقشار و سنین موجب تشدید این مشکلات شده. با

ورود گسترده فناوری‌های هرروزه شبکه‌های اجتماعی فرد را



خودهای جدیدی را در دنیاهای جدید بسازند. این امور ممکن است در دنیای مادی اصلاً وجود خارجی نداشته باشند یا فرد به زعم خودش قادر به دستیابی به آن نباشد. این‌ها استفاده از فضای مجازی را برای کاربران جذاب‌تر می‌کند. بدین ترتیب، وب به مکانی برای معرفی و نمایش شخصیت فرد تبدیل می‌شود. البته قضیه به همین جا ختم نمی‌شود؛ زیرا امکان دارد که تصویر ارائه‌شده از سوی یک فرد بر روی وب، توسط دیگران به صورت‌هایی غیر از شکل مورد نظر وی تفسیر شود. حتی امکان معرفی خود در سایت‌های مختلف به صورت‌های گوناگون وجود دارد. به طوری که افراد بتوانند در جریبان ارتباط‌گیری «هویت الکترونیک چندگانه‌ای» برای خود بسازند و هر بار خود را به یک صورت نشان دهند. تلویزیون و سایر رسانه‌ها فاقد این ویژگی خاص فضای مجازی‌اند. در مجموع، هویت اینترنتی یا هویت مجازی با دیدگاه‌های متعارف درباره هویت جور نیست. دیدگاه‌های متعارف درباره هویت به دنبال کلیت‌سازی درباره مفهوم هویت و یکپارچه نشان دادن آن هستند و تأثیر کلی آن‌را بر فرد در نظر می‌گیرند اما با این اوصاف در فضای مجازی استفاده از چنین تعاریفی

تضعیف اعتماد متقابل اعضای خانواده به ویژه در زوجین شود. روندی که سرانجام آن کاهش تفاهم و درک متقابل و سردی روابط خواهد بود. غرق شدن در این فضا و رصد لحظه به لحظه سوپرمدل‌ها و سلبریتی‌ها باعث می‌شود توقعات از همسر به اندازه یک مدل بالا برود این بحث به قدری در ذهنیت افراد تأثیر می‌گذارد که ممکن است فرد نسبت به خودش هم حس ناخوشایندی داشته باشد، این نوع نگرش به مرور زمان اختلال بدریخت‌انگاری را برای افراد به وجود خواهد آورد و آنان کم کم به سمت جراحی‌هایی جذب می‌شوند که آن‌ها را در خود به حداقل برسانند. شاید تلخ‌ترین آسیب در حوزه خانواده طلاق عاطفی باشد ممکن است بسیاری بر این باور باشند که این فضا نمیتواند آسیبی به امنیت عاطفی خانواده شان وارد کند در حالی که با سپری شدن زمان در خود می‌بندد که به همسرشان احساسی نداشته و ساعت‌هاست که با دوستان مجازی و یا بازی‌ها و پست‌ها سرگرم شده‌اند. در جلسات مشاوره جنسی بسیاری از این عوامل بررسی و رفع می‌شود.

فضای مجازی و بحران هویت:

اینترنت دارای قابلیت‌هایی است که به‌واسطه آن افراد می‌توانند

بر روی دست و یا مچ شما تاثیر بگذارد. همچنین مشکلات ویژه ای در ارتباط با وارد کردن تلفن های همراه وجود دارد که می توانند شکل انگشتان شما را تغییر دهند

البته این مشکلات همه ناشی از رسانه های اجتماعی نیستند. این کار می تواند به راحتی با نیاز به تایپ کردن مقالات مربوط به مدرسه و یا گزارش در محل کار ایجاد شود.

دشمن دیروز و امروز:

تفاوت دشمن دیروز با امروز در این است که امروز دیگر به دنبال اشغال سرزمین نیست ، بلکه به دنبال تصرف بر عقیده و فکر انسان ها است. بنای دشمن امروز در فضای مجازی بر اشغالگری است، تا فکر و اندیشه جوانان را مدیریت کند و حتی اجازه فکر کردن به آنها را ندهد.

دشمن با هزینه پول ، زمان و کارشناسی همه جانب ه، در کنار ایجاد رسانه های قدرتمند و اداره آن فرصت تهاجم و

عملیاتی کردن نقشه های خود را پیدا کرده است حال آنکه در داخل کشور نسبت به هزینه در این فضا و

مبارزه با دشمن با کارشناسی دقیق دچار مشکل هستیم. برخی ارگانهای مذهبی- تبلیغی با برگزاری

مسابقات و جشنواره های مذهبی در فضای مجازی سعی در شکستن فضای تلخ و ضد ارزشی اینترنت

دارند لکن این قسم برنامه ها به مسکن های موقت می ماند که اثری کوتاه مدت دارد که علاج این مشکل

محسوب نمی شود.

منابع :

تاثیرات اخلاقی استفاده از فضای مجازی بر پیوند زناشویی فرشته حاج محمدی، سمیرا حاج محمدی

اسلوین جیمز اینترنت و جامعه



برای هویت دشوار می شود و با گسترده تر شدن مرزهای هویتی، مرزبندی هویت واقعی و تخیلی در اینترنت مخدوش می شود.

بهداشت روانی:

یکی از مهم ترین تاثیرات تکنولوژی کاهش کیفیت و کمیت خواب است. ملاتونین ، ماده ای شیمیایی برای خواب است که تحت تاثیر تابش مداوم صفحه نمایش است. بنابراین کار کردن با فن آوری به احتمال زیاد در خواب شما دخیل است و حالت کلی شما را تحت تاثیر قرار می دهد..

آنچه که جدی تر است ، این است که مردم به فن آوری معتاد شده اند. این امر تاثیر زیان آوری بر سلامت و زندگی اجتماعی فرد دارد و پیوندهای اجتماعی و خانوادگی را از بین می برد. اگر فرد توجه کافی نداشته باشد، ممکن است که باعث استرس یا حتی افسردگی او شود.

تاثیر رسانه های اجتماعی بر سلامت فیزیکی:

وب سایت های ارتباط جمعی (شبکه های اجتماعی) می توانند به طور مستقیم سلامت جسمی را تحت تاثیر قرار دهند و این معمولاً با روشی که شما از آن استفاده می کنید، مرتبط است

برای مثال

سندرم تونل کارپال:

استفاده زیاد از کیبورد ممکن است مشکلاتی را ایجاد کند که



نقش سواد رسانه در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

سپیده قنبرعلی باغنی / کارشناسی حسابداری دانشگاه رازی 

رسانه‌های را می‌توان بستر منطقی دسترسی، تجزیه و تحلیل و تولید ارتباط در شکل‌های گوناگون رسانه‌ای و در همین حال تامین شرایط مصرف محتوای رسانه‌ای از منظر انتقادی دانست.

سه وجه سواد رسانه‌ای عبارتند از:

الف: ارتقای آگاهی نسبت به رژیم مصرف رسانه‌ای و یا به عبارت بهتر تعیین میزان و نحوه مصرف غذای رسانه‌ای از منابع رسانه‌ای گوناگون که در یک کلام، همان محتوای رسانه‌هاست؛

ب: آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی؛

ج: تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌هاست که در نگاه اول قابل مشاهده نیست.

نداشتن سواد رسانه باعث می‌گردد تا عامه مردم بدون تحقیق و با خواندن مطالب دروغ و فاقد ارزش علمی تحت تاثیر قرار گرفته و عملاً مورد سواستفاده افکار و رفتار صاحبان سیاست و کلاه برداران حرفه‌ای قرار گیرند. در هر صورت می‌توان دریافت که عملاً بی‌سوادی در حوزه رسانه خطرناک‌تر از نداشتن سواد خواندن و نوشتن خواهد بود.

آسیب‌های نوظهور آسیب اجتماعی:

آسیب‌های اجتماعی نوظهور در واقع همان آسیب‌های مرتبط با فناوری‌های جدید و به معنای

امروزه زندگی ما به رسانه‌ها وابسته است. به گونه‌ای که ما امروزه در یک جهان رسانه‌ای شده‌ایم. در عصر کنونی، رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های عملی جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده‌اند.

استفاده از رسانه‌ها بدون سواد رسانه‌ای، می‌تواند با اثرات نامطلوبی روبه‌رو باشد. به ویژه آنکه با فاصله‌های اطلاعاتی و مهارتی بین جوانان و والدین از یکسو و تنوع و تخصصی شدن رسانه‌های جدید از سوی دیگر، لزوم ارتقای سواد رسانه‌ای دوچندان می‌شود. سواد رسانه‌ای می‌تواند همچون یک ناظر هوشمند و درونی شده، رژیم مصرف رسانه‌ای جوانان را تنظیم کند.

سواد رسانه‌ای چیست؟

سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از مهارت‌های قابل یادگیری است که به توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل و ایجاد انواع پیام‌های رسانه‌ای اشاره دارد و یک مهارت ضروری در دنیای امروزی به شمار می‌رود. این مفهوم با ایجاد و گسترش رسانه‌های سمعی و بصری، به وجود آمد و با گسترش شبکه‌های اجتماعی، روز به روز دارای ابعاد گسترده‌تر و پیچیده‌تری شد.

سواد رسانه‌ای یک موضوع چندوجهی است که قدرت درک مخاطبان از نحوه کارکرد رسانه‌ها و شیوه‌های معنی‌سازی در آنها را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌کوشد این واکاوی را برای مخاطبان به یک عادت و وظیفه تبدیل کند. سواد

آسیب‌های اجتماعی نوظهور در واقع همان آسیب‌های مرتبط با فناوری





مردم را در برخورد با رسانه‌ها بالا برد. بسیاری از کشورهای توسعه یافته جهان در این زمینه شروع بکار کرده‌اند و آموزش‌های مربوط به سواد رسانه‌ای را از دوران دانش آموزی برای خردسالان و کودکان ارائه می‌کنند. افرادی که سواد رسانه‌ای بالایی دارند می‌توانند ضمن شناسایی ماهیت رسانه‌ها بهترین راه را برای استفاده از آن انتخاب کنند تا کمترین ضرر را در استفاده از رسانه‌ها متحمل شوند. پس باید در نظر گرفت اگر فضای مجازی هوشمندانه مدیریت شود و همزمان سواد رسانه‌ای مردم نیز برای استفاده از اینترنت و محصولات آن افزایش یابد، این نوع از رسانه نه تنها برای جامعه تهدید بشمار نمی‌رود بلکه فرصت‌هایی را نیز در اختیار آن قرار می‌دهد.

راهکارهای ادغام سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی

دوازده راه اصلی از سوی اتحادیه ملی آموزش سواد رسانه‌ای آمریکا برای ادغام سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی، پایه ریزی شده است، که باید توسط معلم، انجام شوند.

تمرین و انجام مشاهده فراگیر(کلی)، تفکر انتقادی، تحلیل کردن، ژرف اندیشی و مهارت های ارتباطی، برانگیختن علاقه در موضوع جدید، شناختن اینکه چگونه ایده های پیشین دانش آموزان درباره یک موضوع توسط پیام های رسانه ها تحت تأثیر قرار

عام آسیب‌های اجتماعی مرتبط با اینترنت است که ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه و برنامه‌های اجتماعی می‌توانند در این مجموعه قرار گیرند که به عقیده عده‌ی زیادی می‌تواند جزو آسیب‌های اجتماعی و روانی قرار گیرد. حریم خصوصی افراد در همه‌ی جوامع امروزی امری محترم و ارزشمند است و حتی آن قدر اهمیت دارد که احترام به آن در قرن حاضر از مرزهای سنتی دین و اخلاق فراتر رفته و در بیشتر کشورهای جهان ضمانت قانونی دارد.

از طرف دیگر شئون انسان‌ها و اهمیت محفوظ ماندن آنها در فضای مجازی و امنیت اطلاعات مبادله شده جدیداً با چالش‌های زیادی مواجه شده و سلامت اخلاقی و مخصوصاً جسمانی و روانی کودکان و نوجوانان در جامعه در معرض خطرات فراوانی قرار گرفته است.

نقش سواد رسانه‌ای در فضای مجازی

سواد رسانه‌ای، مهارتی است که لازم است افراد در کنار استفاده از رسانه‌ها و به خصوص اینترنت به عنوان یک رسانه تعاملی به آن مجهز شوند. معمولاً وقتی تأثیرات نامناسب انواع رسانه‌ها مانند برنامه‌های رسانه‌ای غیرمجاز، بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های ماهواره‌ای برون مرزی، استفاده نابجا از اینترنت بر جوانان به صورت افت تحصیلی، مشکلات اخلاقی و رفتاری و آسیب‌های اجتماعی آشکار می‌شود، به راه‌های درمانی اندیشیده می‌شود. فضای مجازی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین رسانه‌های عصر حاضر شناخته می‌شود. با فرهنگ‌سازی و مدیریت در این حوزه می‌توان ضمن کاهش تأثیرات مخرب آن، از کارکردهای مفیدی که دارد، بهره برد. فضای مجازی در کنار آثار مخربی که بر جامعه و افراد می‌گذارد می‌تواند کارکردهای مفیدی نیز داشته باشد ولی باید دانست برای کاهش آثار مخرب و افزایش کارکردهای مثبت آن باید سیاست‌گذاری‌هایی در تمام سطوح سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی انجام شود. البته باید در نظر گرفت برای نیل به اهداف مورد نظر در ابتدا باید سطح سواد

هویت خود را حفظ کند.

امروزه سواد تنها به معنای خواندن و نوشتن و توانایی درک مطلب نیست. در دنیای امروز لزوماً این مسئله را نمی‌توانیم سواد بدانیم و موضوع خیلی پیچیده‌تر از اینها است. امروزه یادگیری دانش الکترونیک و فناوری‌های جدید هم می‌توانند در این تعریف جای بگیرند.

سیستم آموزش و پرورش امروز به نسبت گذشته خیلی تغییر کرده و با سواد به کسی گفته می‌شود که بتواند سیستم را تحلیل کند، مفهوم سواد هر روز در حال پیچیده‌تر شدن است و همین پیچیدگی باعث می‌شود سیر آگاهی اجتماعی و حتی خود سواد بالاتر برود. همه این موارد پیچیدگی اجتماعی را در دنیای امروز به وجود می‌آورد.

زمانی که اجتماع رو به سمت پیچیدگی می‌رود، افراد باید با فرهنگ‌تر و با سوادتر شوند. کسی هم که در چنین شرایطی نتواند سیستم موجود را تحلیل کند کارش به سمت تنش و آسیب می‌رود. در ایران مشکل اجتماعی که وجود دارد این است که برخی از مردم به اندازه کافی فرهنگ شناخت سیستم را ندارند.

برای مثال سواد تاریخی و جهانی ما اندک است و خیلی‌ها نمی‌دانند که در دنیا چه می‌گذرد؟ و کمتر کسی بیش از فعالیتی که در آن است اطلاعات دارد. در واقع هر کس در رشته کاری خودش فعالیت می‌کند. اینجا است که یک ضرورت برای بالا بردن فرهنگ جامعه احساس می‌شود. در گذشته درک ما از رسانه این بود که پیامی جا به جا می‌شود و خبری به افراد داده می‌شود ولی الان مسئله خیلی فرق کرده به گونه‌ای که سیستم‌های ارتباطات و رابطه این سیستم‌ها پیچیده‌تر شده‌اند.



گرفته است، به کار بردن رسانه‌ها به عنوان یک ابزار آموزشی، تربیتی استاندارد، شناساندن منابع باورهای نادرست درباره یک موضوع به گسترش آگاهی در خصوص صحت اعتبار و ابعاد مسائل و موضوعات، مقایسه کردن شیوه‌های مختلف رسانه‌ها در ارائه اطلاعات درباره یک موضوع، بررسی تأثیری که رسانه‌های مشخص روی فرهنگ‌های مختلف یا به لحاظ تاریخی، درباره یک موضوع به خصوص داشته‌اند.

دیدگاه انتقادی یکی از مولفه‌های اصلی سواد رسانه‌ای است که به مطالعه در زمینه صاحبان رسانه و اقتصاد رسانه، اصول اخلاقی و سیاسی رسانه‌ها درباره نیروهای شکل‌دهنده محتوای رسانه‌ها، شامل: اقتصاد، تبلیغات، مقررات دولتی و علائق عمومی می‌پردازد.

مراحل سواد رسانه‌ای

مرحله اول: رژیم مصرف، مرحله دوم: ویژگی‌های پیام، مرحله سوم: نقد پیام.

در نتیجه با برخورداری از سواد رسانه‌ای (از انتخاب ساده رسانه‌ای تا نقد متن) و رسیدن به مرحله بالاتر آن (فهم و تفسیر زمینه‌های متن) این امکان برای مخاطب فراهم می‌شود که در برابر هجوم سرسام‌آور القای پیام‌های رسانه‌ای،



فرہنگی

شکست اکران آنلاین

پریسا دالوندی / کارشناسی جامعه‌شناسی



حاتمی‌کیا برای فیلم خروج صورت گرفت و در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۹۹، نخستین فیلم در ایران اکران برخط شد و از طریق سکوپلتفرم‌های فیلیمو و نماوا هم پخش شد.

نخستین فیلم اکران برخط حدود یک میلیارد فروخت (هشتاد و چهار هزار و چهارصد بلیط)؛ قانون نانوشته‌ای در اکران‌های برخط وجود دارد و آن اینکه بلیط و تماشای آن در نمایش خانگی مساوی با ۲۰۵ بیننده است. در کل، مخاطبین برخط فیلم خروج، ۲۱۱ هزار نفر برآورد شده است؛ گرچه با وجود این ارقام، این فیلم را از لحاظ مالی و جذب مخاطب می‌توان یک شکست‌خورده دید، اما چرا شکست؟ برای دیدن یک فیلم در سینماها باید به ازای هر نفر حدود ۲۰ هزار تومان پول بلیط پرداخت می‌شد اما با اکران برخط،

حدود دو سال از تغییر سبک زندگی مردم در سراسر جهان می‌گذرد؛ کوید ۱۹ تمام ذهنیت‌ها و پیش‌فرض‌های زندگی عادی را به هم زد و سینما و هنر هم جدا از این قائده نبودند.

تعطیلی سینماها و زیان‌های مالی برای سینما و هنرمندان باعث شد ایران هم پیشگام اکران برخط (آنلاین) فیلم به شمار آید. هنر هفتم با عنصر مکان موجودیت پیدا می‌کند و تا همین چند سال پیش (پیش از کرونا)، گرفتن عنصر اصلی مکان از سینما برای سینمادوستان و هنردوستان پذیرش‌ناپذیر بود و تجربه‌ی دیدن فیلم و زندگی در سینما به طور جمعی بر پرده‌ی نقره‌ای، عنصر علاقه‌مندی به تماشای دسته‌جمعی با خیال راحت بود. اما با گسترش فضای مجازی و گسترش پی‌درپی موج‌های کرونا، این ذهنیت برای نجات فیلم و سینما به وجود آمد که فیلم‌ها به صورت برخط اکران شود. نخستین اکران برخط فیلم، با داوطلبی ابراهیم

تماشای فیلم تنها با ۱۲ هزار تومان (افزون بر امکان تماشای چندنفره) ممکن بود که این از نظر مالی به سود مخاطب بود، اما چرا با وجود به سود مخاطب بودن از لحاظ مالی و زمانی، این نوع اکران با شکست روبرو بود؟

(یک) آماده نبودن زیرساخت‌های سکویهای پخش فیلم که باعث قاچاق فیلم به شکل بارگذاری در صفحات اجتماعی و کپی و قاچاق هر چه بیشتر و گسترده‌تر آن شد.

(دو) تبلیغ نشدن فیلم‌ها در فضای مجازی و رسانه‌ی ملی و نبود سفر طولانی و پرهیجان سینماها برای آغاز اکران فیلم‌ها (در حالی که در گذشته هنرمندان - اعم از بازیگران و کارگردانان و... - با مردم به تماشای فیلم نشستند، ارتباط نزدیک برقرار می‌کردند).

(سه) انجام کنش‌های جمعی گسترده‌ی فیلم دیدن در کنار افراد دیگر

(چهار) حق کپی‌رایت، قاچاق و دلایل دیگر...

اگر فیلم‌ها در دوران کرونا، هم در سینماها (با فاصله‌گذاری و حفظ شیوه‌نامه‌ها) و هم به صورت برخط اکران شوند،

دسترسی برای همه‌ی علاقه‌مندان فیلم وجود دارد. همچنین همه‌ی فیلم‌ها در همه‌ی استان‌ها اکران نشده یا زیاد روی پرده نمی‌مانند، اصولاً ما در ایران با کمبود سینما روبرو هستیم و بسیاری از استان‌ها و شهرستان‌ها مسافت بسیار زیادی با سینما فاصله دارند و این معضلات و معایب با اکران برخط رست و فراهم کردن درست‌ زیرساخت‌ها باعث بیشتر شدن مخاطب و به چرخش درآمدن صنعت سینما می‌شود؛ سینمایی که از صنعت‌های پول‌ساز در ایران و جهان به شمار می‌رود. که شوربختانه اکران برخط در ایران به شکل صحیح انجام نشد؛ گرچه با گذشت زمان برنامه‌های گوناگونی - که جایی در صدا و سیما یا سینما نداشتند - پا به عرصه‌ی فرهنگ و سینما گذاشتند مثل ممیزی، جوکر، انواع پویانمایی‌ها و...

کلام آخر: کرونا همه چیز را تحت تاثیر خود قرار داد؛ در عصر پساکرونا شاهد تغییرات بسیار چشمگیری در عرصه‌ی سینما هستیم؛ اگر از پتانسیل‌های موجود به نحو احسن استفاده شود، شاهد درآمد عظیمی از سینما برای کشور و جذب مخاطبان حداکثری خواهیم بود.



زبان و ادبیات

یادداشت‌های یک پزشک جوان

فاطمه فرامرزی‌زاده / کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی



این سه سهم منه!

محمدعلی چراغی / کارشناسی فیزیک

هکسره یک اشتباه در حال رواج...

ما در بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره، ناچاریم خواسته‌ها، اندیشه‌ها و نظرآنها را به قالب نوشتار درآوریم و از سوی دیگر نیز، بتوانیم از طریق همین نوشتن، دیگران را بفهمیم؛ پس این، یک ارتباط دوسویه است برای فهمیدن دیگران و فهماندن خودمان به آن‌ها. در این نوشتار، یکی از اشتباهات رایج در میانه فارسی‌نویسان بررسی خواهد شد. نا صبر کنید! یکبار دیگر این خط را بخوانید: «متوجه شدید؟ هکسره، «ه‌های است که «- خوانده می‌شود. این نامگذاری دقیقاً ریشه و خاستگاه این اشتباه را می‌نماید؛ یعنی تخصیص اینکه کجا باید از «ه» کجا باید از «-» استفاده کنیم. در سامانه‌ی نوشتاری فارسی، واکه (صوت) های کوتاه - که شامل - و - می‌باشند - نوشته نمی‌شوند. از سوی، یکی از این سه واکه (که همان کسره باشد) یکی از پرکاربردترین آواهای موجود در زبان فارسی است چرا که در فارسی، برای ساختن هر ترکیب اضافی و وصفی‌ای، از این صدا میان موصوف و وصف/ مضاف و مضاف الیه استفاده می‌شود؛ برای مثال در همین جمله‌ی آخر، شما بی‌آنکه به زحمت بفتند پس از واژه‌های «ساختن»، «ترکیب» و «همیان» یک کسره در ذهنشان آوردید. در حالیکه هیچ کسره‌ای زیر این واژه‌ها نوشته نشده بود.

سه دسته واژه هستند که در رعایت قاعده‌ی هکسره باید به آن‌ها توجه کرد:

۱. واژگانی که می‌شأن جزوی از خودشان است مانند - خانه، نامه، خوشه، لاشه و همگی واژگان ساده‌ی از این دست و نیز برخی از واژگانی که در خوشن‌عامیانه، یک «ه» جایگزین حرف آخرشان می‌شوند مثل «بزرگ» که می‌شود «دیگه» (و...)، دیوانه، آگاهانه، مرزبان و همگی قیده‌های حالت یا صفت‌های نسبی‌ای که از افزوده شدن پسوند «انه» به پائشان ساخته شده‌اند، مرده، زنده، سوخته (و همگی صفت‌های مقبولی‌ای که از افزوده شدن یک «ه» به بن ماضی‌شان ساخته شده‌اند)، پوשה، گریه، خنده و همگی اسم‌هایی که از افزوده شدن یک «ه» به بن مضارع‌شان ساخته شده‌اند) و سایر واژگان (مانند واژگانی که از افزوده شدن یک «ه» به یک اسم جدید آمده‌اند مثل دسته، پنجه، چشمه، گوشه و...)

۲. فعل «است» و «هست» که در لفظ عامیانه، تنها به یک حرف «ه» خلاص می‌شوند.

۳. اسم‌هایی که معرفه هستند (این مورد مربوط به برخی لهجه‌ها از جمله لهجه‌ی تهرانی است). (بیش از باز کردن این مورد، به این توضیح کوتاه دقت کنید: به طور کلی در زبان فارسی برخلاف بسیاری از زبان‌ها، همگی اسم‌ها، به خودی خود، معرفه (شأن/ صریح) هستند مگر آن‌که یک «ی» تکریم‌شان [از آن‌ها] تکریم (شأن/ صریح) کند؛ مثلاً وقتی می‌گوییم «درخت را دیدم»، «شونده درمی‌یابد که درخت خاصی را دیده‌ایم (درخت به خودی خود یک واژه‌ی شأنی برای شونده است) ولی وقتی می‌گوییم «درختی را دیدم»، شونده دیگر نمی‌داند که منظور ما کدام درخت بوده و درواقع با افزودن آن «ی»، واژه‌ی درخت به یک درخت نوعی تبدیل شد. در حالیکه مثلاً در زبان‌های انگلیسی یا عربی به عنوان دو نمونه، ماچرا کاملاً برعکس است، برای جمله‌ی نخست در این دو زبان به ترتیب باید گفت «I saw the tree» و «رأیت الشجره»، که «The» و «ال» به ترتیب معرفه‌سازهای انگلیسی و عربی هستند، برای جمله‌ی دوم نیز کفایت این دو معرفه‌ساز را تأیید می‌کند. در حالی که ما در طی روز صحبت می‌کنیم، قواعد ویرایشی خود را داراست که این قواعد به هنگام نوشتن هم به متن ما رسوخ می‌کنند؛ مثلاً در لهجه‌هایی که به آن‌ها اشاره شد ما به شیوه‌ای برخلاف آنچه در فارسی معیار رایج است، عمل می‌کنیم؛ یعنی یک «ه» معرفه‌ساز به پایان واژه‌ای که آن را تکریم می‌کنیم، می‌افزاییم. بدین ترتیب می‌گوییم:

- پسره رو مبینی؟

- کدام پسره؟

- پسره که داره از جلوی فروشگاهه رد میشه.

با این کار، پیش فرض ما این بوده که واژه‌های «پسر» و «فروشگاه» به خودی خود شأنی نیستند و با افزودن آن «ه» «ها» در پائشان، آن‌ها را به مخاطب نشانده‌ایم (با شناختن این سه دسته، از این پس هر گاه میان این دوواهی ماندم که «پسر خوب» درست است یا «پسر خوب»، بهتر است لفظ‌های دست از نوشتن بکشیم و به موصوف و مضاف، اسم شأنی و نشانن، واژه‌ی پسر، فعلی «است» و همگی آنچه در رنگ املا‌ی دبستان آموختیم، ببینیم...

راهی قصبه‌ای دورافتاده شد تا طبابت را آغاز کند؛ قصبه‌ای بدون امکانات با شرایط زندگی سخت و مردمی به شدت سنتی و دور از دنیای مدرن و امروزی مسکو. زندگی در نیکولسکویه هر روز بولگاکوف را به چالش می‌کشید و برای او اتفاقات تازه‌ای رقم می‌زد؛ اتفاقاتی که باعث روبرویی بیشتر او با محدودیت‌ها و ناتوانی‌هایش شده، باعث می‌شد که او خامی‌ها و بی‌تجربگی‌هایش را در برابر خود ببیند، آنها را در هم بکوبد و به تجارب باورنکردنی‌ای دست پیدا کند.

تکه‌هایی از کتاب:

(ظلمات مصر: پس دنیا در روز تولد من کجا رفته است؟

چراغ‌های الکتریکی مسکو کجاست؟ مردم؟

آسمان؟

پشت پنجره‌ها هیچ چیز پیدا نیست.

ظلمات..... ارتباط ما با مردم بریده شده است.

نزدیک‌ترین تیرهای چراغ نفتی به ما در

فاصله‌ی نُه ویرستایی در ایستگاه راه‌آهن قرار

دارد. لابد آنجا هم چراغ‌ها سوسو می‌زند و از باد

و توفان می‌نالد. قطار سریع‌السیر مسکو،

نیمه‌شب با غرشی از آنجا می‌گذرد و حتی

توقفی هم نمی‌کند؛ قطار به این ایستگاهی که از

یاد رفته و زیر کولاک مدفون شده نیازی ندارد...

نزدیک‌ترین چراغ برق به ما در فاصله‌ی چهل

کتاب یادداشت‌های یک پزشک جوان نوشته‌ی میخائیل بولگاکوف، کتابی دویست و ده صفحه‌ای است که تاکنون سیزده‌بار چاپ شده و هفت داستان جذاب، خواندنی و خیال‌انگیز را از یک پزشک بیست و سه ساله‌ی روسی روایت می‌کند.

میخائیل آفاناسیویچ بولگاکوف از

بزرگترین نویسندگان سده‌ی بیستم

روسیه است که در ایران نیز، نامی

شناخته‌شده به‌شمار می‌رود. او در شهر

کی‌یف در خانواده‌ی یک استاد مدرسه‌ی

مذهبی، زاده و در ۱۹۰۹ وارد دانشگاه

پزشکی شد.

بولگاکوف، جوان تازه‌کار و بی‌تجربه‌ای بود

که رئیس یک بیمارستان شد؛ کسی که

درگیر گفت‌وگوهای ذهنی بود و

ترس‌های فراوانی داشت؛ ترس‌هایی که از

به وقوع پیوستنشان وحشت داشت.

بولگاکوف مسئولیت‌پذیری بی‌نظیری،

تسلطی فوق‌العاده و قدرت تصمیم‌گیری

عالی‌ای داشت که او را در پزشکی کمک

می‌کرد و بر مهارتش می‌افزود.

او در ۱۹۱۶، پس از دانش‌آموختگی،



یادداشت‌های یک پزشک جوان

میخائیل بولگاکوف

آنتین گلکار



خودش بگوید انگار حالا زندگی در فلان شهر کوچک چه اهمیتی دارد ولی اگر کسی مثل من یک سال و نیم تمام بدون حتی یک روز وقفه زمستان را در میان برف و تابستان را در میان جنگل-های خشن تنک گذرانده باشد، اگر کسی لَقاف دور روزنامه‌ی یک هفته پیش را با چنان تپش قلبی پاره کرده باشد که انگار عاشق خوشبختی است، که در حال باز کردن پاکت آبی‌رنگ معشوقه‌اش است، اگر کسی با سورت‌های که اسب‌هایش هجده وپرستا را برای انجام یک زایمان پشت سر گذاشته باشند، قاعدتا او مرا می‌فهمد.}.....

مرد سختی کشیده‌ی کتاب یادداشت‌های یک پزشک جوان، سرانجام پس از پنج سال اقامت در قصبه‌ی نیکولسکویه به شهر ویازما رفت تا به سختی‌هایش در قصبه‌ی مذکور پایان دهد. او در بیمارستان شهر ویازما به عنوان پزشک بخش کودکان مشغول به کار شد و بعد از آن هم به کی‌یف بازگشت تا به ارتش سفید بپیوندد.....

آنچه در اینجا آورده شد، تنها بخش کوچکی از کتابی بود که طرفداران بسیار زیادی در سرتاسر جهان دارد و به زبان‌های گوناگونی ترجمه شده، پیشنهاد می‌شود که آن را بخوانید و از آن لذت ببرید....

وپرستایی قرار دارد؛ در مرکز بخش آنجا زندگی با شیرینی تمام در جریان است. سینما هست و فروشگاه. در همان حال که در دشت‌ها برف می‌بارد و زوزه می‌کشد، روی پرده‌ی سینما شاید نیزارها به نمایش درمی‌آیند و نخل‌ها در باد تکان می‌خورند و جزایر استوایی از دور خودنمایی می‌کنند..... ما که تنهایییم.)

خوشبختانه داستان مورفین از همین نویسنده در همین کتاب منتشر شده است؛ مورفین، داستان اتفاق فوق‌العاده و حقیقی‌ای است که برای دکتر پالیکوف، پزشک همکار و هم‌دانشگاهی دکتر بومگارد (میخائیل بولگاکوف) رخ داده تا به او تلنگر بزند و خود را از دام اعتیاد به مورفین برهاند و باعث شود او تغییرات عظیمی در خود ایجاد کند.

(مورفین: مردم دانا از قدیم‌الایام گفته‌اند که خوشبختی مانند سلامتی است: وقتی نزد کسی است، هیچ چیز جلب توجه نمی‌کند، ولی هنگامی که سال‌ها می‌گذرند و می‌روند، آن وقت است که یاد خوشبختی در سرت زنده می‌شود؛ چه جور هم زنده می‌شود! در مورد من هم، از قرار معلوم در زمستان سال ۱۹۱۷ خوشبخت بودم؛ همان سال فراموش‌نشده‌ی، پرکولاک خروشان. کولاکی که مرا دربرگرفته بود. همچون تکه روزنامه‌ی پاره‌ای دربرگرفت و از قصبه‌ای دورافتاده به شهرکی کشاند. شاید کسی با



ديوان دانشجوئي



است برای شهریور؛ درختان آهسته آهسته بر تن
فرزندان خود جامه‌ی زرد و نارنجی می‌کنند و
دست باد، بدرقه‌ی راهشان می‌شود.

با هیچانی وصف‌نشدنی بر زمین پایکوبی می‌کنند
و آوای شادی و سرور سر می‌دهند. آسمان از این
جشن و پایکوبی به شوق می‌آید و فرشته‌ی
آسمانی خود را با اشک شوق، هدیه به زمین
می‌دهد.

رد پاهایش بر خاک باران‌خورده مسیری سبز را
درست می‌کرد و برگ‌ها رقص‌کنان، پشت سرش
جانی دوباره می‌گرفتند و از نو سبز می‌شدند.

گل‌ها می‌شکفتند. آری. بهار آمده بود.

عطر گل‌های یاس فضا را پرکرده بود و ساز
دلنشین باران که با قدم‌هایش کوک بود.

و به یک آن بهار شهریور را در آغوش کشید.

شهریور در خاطرات من پر از عطر است؛
روزهایش لبریز از عطر گل‌های جعفری،
کوکب و شمعدانی، شب‌هایش مملو از عطر
محبوب شب و یاس رازقی. من تو را می‌بینم
در دل شهریور در همان کوچه‌ی نزدیک به
پاییز زیر آن سایه‌ی کش‌دار لطیف من تو را
می‌بینم در دل هر چشمه در نگاه هر برگ
من تو را تا به ابد می‌نگرم و میان دل من نام
تو هر لحظه با شکوفایی یک غنچه تداعی
می‌شود.

چشمانم را در آئینه می‌ریزم. من، تو و تمام
فطرت‌ها با طبیعت هماهنگیم و این‌گونه
است که با هر نگاه، شعری به دنیا می‌آید.
اصلاً تابستان فصل شاعرپروری است؛
شهریور ماه تولد عشق‌های عمیق فصل
نفس‌های گرم زندگی.

حال فکر کن نقطه عطف زندگیت هم در
همین ماه شهریور باشد؛ ماه اتفاقات خوب،
اتفاقی خوشبوتر از رایحه‌ی گل‌های رز؛ چه
لحظات شیرینی خلق خواهد شد؟

متن‌هایم را می‌گذارم برای یک روز خاص
کنار یک فنجان چایی گرم...

گوی زمین تمام زیبایی‌هایش را گذاشته



به تو فکر می‌کنم

به گاه پرواز برگ‌های پاییزی

و چکیدن خنده‌ی ابر بر گونه‌های سرخ

ای پگاه خنک

ای آبان ناآرام

من به تو فکر می‌کنم

ای باران خوشبختی

پیش از وزش مرگ و زمزمه‌ی امید

ای رویای خام

من به تو فکر می‌کنم

ای سیاهی بی‌پایان

ای درخشش روان

به تو فکر می‌کنم

چون از خیال تری برخاستی و

در آغوش لرزانم نشست

ای غبار تنهایی

چون بر امواج موهای سرمازده


بدون هیچ پرسشی

هربار تازه‌تر میشکفی

من به تو فکر می‌کنم



فریاد گم شده

محمدعلی چراغی / کارشناسی فیزیک 

پا شو

که واژه‌ها تو را فرا می‌خوانند

شکوه از یاد رفته‌ی این چامه‌گاه

در لابلای فریاد باد گم نشده

هنوز هم به گوش می‌رسد

هلهله‌ی سور و سرور واژگان

که دور هم حلقه‌ی یکرنگی بسته بودند...

برخیز

که از خاک تو بذر واژگان نو

بار دیگر

بررسته است

مگر می‌شود چامه‌ها بمیرند؟

مگر می‌شود چامه‌گاه بمیرد؟

مرگ؛

خود یکی از ماست

خوش آمده است

آمدنش را به گوش همه‌ی جنگل می‌رسانیم

حال که آواز دهل از دور و نزدیک می‌رسد

وَه که این آواز

هم از دور

و هم از نزدیک خوش است؛



نه،

من نمردهام؛

هنوز هستم،

جان دارم

و نفس می کشم

پس هنوز زنده‌ام

و قول می دهم

تا روزی که این روح

در این تن بود و باش گزیده

هرگز از پای ننشینم؛

می ایستم

و ایستادن را

با قلم

و به خواست خود او

به تصویر می کشم

من نه،

اوست که با دستان من

ایستادن را به تصویر می کشد

من تنها دو دستم

که قلم برگرفته‌اند

و دو گوش نیوشیدن پیشه کرده

و دو چشمم

که دیدن را از سر گرفته‌اند

برخاستن

ایستادن،



خواستن،

واژه‌های زیادی برای توصیف مانده‌اند

همگی آن سو

آن پشت،

پشت در منتظرند

تا یک به یک

روی صحنه آمده

هنرنمایی کنند

پس اینکه من خسته‌ام

یا آشفته‌حال

تنها تلقین شومیست

که بی‌هوا

بر دو گوشم خوانده شده؛

شاید زمزمه‌ی هُوَبر

یا نَفَس هُوَجَل بوده؛

و کنون

خبری از آن صدای گجسته‌ی تاریک نیست؛

آن صدایی که

مدت‌ها در این جنگل طنین افکند

و در پایان

برق زد

رعد خرناس کشید

و جنگل نیز

خرناس‌کشان



آن چهره‌ی دیگر خود را
به صدای تاریک شوم
نمایاند.

آری،

باطل رفتنیست

و حق است که

بر جا می ماند..

بار دیگر برمی خیزم

هر جا که شد

می دوم،

هر جا که نیاز بود

می خرامم

و هر جا که می طلبید

می خزم

اما

نمی گذارم جنگل بمیرد

می دانم که آن بالا

او مرا به تماشا نشسته

و با لبخند سحر انگیزش

سایه‌ی مهر بی کرانش را

بر سر من و جنگل می پراکند

باز هم جنگل بوی باران گرفته است

برخیز

گاه نوشتن است



برخیز

و زیر و روی این جنگل را

بجو

بپو

و بروب؛

رازهای بالا را

یک به یک فاصله‌ها را

تار غم از کنج اینجا و

بادِ بام،

خوان و رام،

رنگ و فام،

را بسنه؛

که سر رسید روزگار بُهت؛

که سر بُرد،


این تلقین جهل

همه حوصله‌ها را...



گر د جهان



رضوان هاشمی / کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه 

Ça fait bien longtemps que nous, les êtres humains, nous vivons sur la terre, et la nature en tant que mère nous a offert ses abondantes richesses comme le vent, la lumière, le feu et l'eau, le don le plus prestigieux probablement.

Selon la culture japonaise "Mizo" ou l'eau est le symbole de pureté, de tranquillité et de sincérité, on le considère comme une offrande honorablement accueillie puisque l'eau est toujours un élément vital pour la purification du corps et de l'esprit, On pense que les chutes d'eau sont sacrées et se tenir debout sous les cascades purifie l'âme.

Au japon, les gens ont établi une relation étroite avec les abondantes ressources de l'eau. Suivant leur histoire culturelle, l'eau et la vie constitue un pair.

La ville d'Okinawa occupe la première place parmi les zones bleues du monde. Il a été indiqué que dans cette ville, les femmes ont moins de maladies et vivent plus longtemps. Mais malgré tous ces abondances, le gaspillage d'eau dans ce pays est si faible. Et cela ne peut pas être inefficace dans leurs progrès d'aujourd'hui.

هزاران هزار سال از روزی که ما انسان‌ها روی زمین آرام گرفتیم می‌گذرد و طبیعت چون یک مادر، نعمت‌های خود را به ما ارزانی داشته، که شاید مهم‌ترینش «آب» باشد.

در فرهنگ ژاپنی «میزو» (آب) نمادی از خلوص، سادگی، آرامش و آسودگی است؛ آن را چون یک هدیه می‌پندارند که باید به خوبی با آن رفتار کرد؛ آب همواره عنصری مهم برای پاکسازی بدن و روان است، آبشار، مقدس انگاشته می‌شود و مردم بر این باورند که ایستادن زیر آن، روح انسان را پاکیزه می‌کند.

منابع آبی کشور فراوان است و مردم رابطه‌ی عمیقی با آن دارند؛ در تاریخ فرهنگی آنها آب و زندگی دست به دست هم داده‌اند. در شهر اوکیناوا که از پرآب‌ترین شهرهای جهان است، زنان کمتر به انواع بیماری‌ها مبتلا می‌شوند و عمر طولانی‌تری هم دارند. اما با وجود این همه فراوانی، هدررفت آب در این کشور ناچیز است؛ که قطعاً این مسئله نمی‌تواند در پیشرفت امروزه‌ی آنها بی‌تاثیر باشد.



آب در مبحث فرهنگ

L'eau et la culture:

Depuis la nuit des temps, dès que les êtres humains vivent ensemble, la toute première chose qu'ils partagent au quotidien c'est l'eau.

Comme le langage, l'eau irrigue le tissu social, le vivifie comme un lien ou un liant. L'eau module et modèle la nature et les activités humaines, tout comme le langage module et modèle sa pensée. Certes l'eau appartient à la nature et c'est une molécule extrêmement stable, elle existe et circule avant et après les interventions de l'homme sur son cycle.

pour la conséquence, l'eau comme la culture sont des « liants » - concret pour le premier, immatériel pour le second - qui solidarisent entre eux tous les membres d'une société humaine.

از زمان‌های قدیم تاکنون و از زمانی که انسان‌ها با یکدیگر زندگی می‌کنند، زبان (به عنوان ابزاری برای انتقال اندیشه) و آب، نخستین چیزهایی هستند که انسان‌ها به صورت مداوم آنها را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند.


دقیقا همانند زبان، آب به عنوان یک پیوند، ارتباطات اجتماعی را احیا کرده، به آن جانی دوباره می‌بخشد. آب طبیعت را درست همان طوری که زبان، ذهن و اندیشه را شکل می‌دهد، تنظیم می‌کند. مسلماً آب، به طبیعت تعلق دارد و به عنوان مولکولی پایدار، حتی پیش و پس از مداخلات انسان در چرخه‌ی آن، همیشه وجود و جریان داشته است.

در نتیجه آب در مبحث فرهنگ، در وهله‌ی نخست به عنوان پیوندی ملموس و در وهله‌ی دوم به عنوان پیوندی غیرمادی که تمام اعضای یک جامعه را با یکدیگر متحد می‌کند، به شمار می‌رود.



مشکلات مدیریت آب در جمهوری کره



کیما نجفی / کارشناسی تاریخ 

대한민국의 물 관리 문제*

최근 수십 년 동안, 대한민국은 기반 시설과 물 관리 분야에서 상당한 발전을 이루었지만 인구 밀도와 물 수요 증가로, 물 관리 및 수자원 문제에 직면해 있습니다.

기후 변화와 도시화는 물과 관련된 위험을 증가시키고 인구 고령화와 경제성장 둔화는, 이 문제들을 해결하는 데 사용할 수 있는 공공 예산을 제한합니다.

대한민국과 OECD 간 정치회담에서, 대한민국은, 미래의 물 관련 위험에 대한 장기 계획을 포함하여 4가지 우선순위에 집중하라는 권고를 받았습니다. 또한 대한민국은 물을 사용 효율성 개선을 위한 권장, 오염을 줄이기, 물 조절과 환경에 대한 더 나은 적응이 받았습니다.

만약에 이러한 조치를 적시에 하는 것이 대한민국의 이익이 될 것입니다.

مشکلات مدیریت آب در جمهوری کره.

در دهه‌های اخیر، کره‌ی جنوبی گام‌های قابل توجهی در مدیریت زیرساخت‌ها و آب برداشته است؛ اما این کشور به دلیل تراکم جمعیت و افزایش تقاضای آب، با چالش‌هایی در مدیریت آب و منابع آبی روبروست. تغییرات اقلیمی و شهرنشینی، بر خطرات مرتبط با آب افزوده و پیری جمعیت و کاهش رشد اقتصادی، بودجه‌های عمومی موجود برای مقابله با این چالش‌ها را محدود می‌کند.

در یک نشست سیاسی میان جمهوری کره و OECD، به جمهوری کره توصیه شد که روی چهار اولویت، از جمله برنامه‌ریزی بلندمدت برای خطرات مرتبط با آب در آینده تمرکز کند. جمهوری کره همچنین توصیه‌هایی برای بهبود بهره‌وری مصرف آب، کاهش آلودگی، مهار آب و سازگاری بهتر با محیط زیست دریافت کرد که انجام به موقع این اقدامات، به سود این کشور خواهد بود.





الهام رحیمی / کارشناسی زبان چینی



“水”在中国文化中的德性意义

人的生存生活离不开水。现代医学测量显示，水在人体各主要部分中所占的比例是：脑74.5%，骨骼22%，肾82.7%，胆汁97%，肌肉75.6%，血管83%。水在人体总体重中占了70%。

中国的哲人可能是通过对“水”的观审而建立对“法”的思考，或者说，水这种物质通过哲人的观审而呈现出的意象成为他们对法之思的基础。水是构成法的概念最基本的“隐喻结构”，即“本喻”。

“水舟”之喻与法统

中国的哲人不但从“静止的水”的形态中建构了思考法的模型，而且还从对“水”这种物质的特性与品质的沉思中直接或间接建立起中国的政治法律关系原型。为人熟知的“水可载舟，也可覆舟”的“水舟”之喻，是中国政治法律思想中有关统治者与他的人民关系的最早模具。这种表达方式是一种警句，它告诫治者与被治者应正视这样一种相互依存关系：统治者既不能漠视人民的欲求，人民也应服从贤明君王的统治。而能不能重视这样一种关系，是衡量统治者是否贤明的重要标志。同理，一种法律若只是为了统治者的利益，统治者不但不会从这种特权中获益，而且还会招致政权危机。“水舟关系”是双方都能获益的一种关系，是中国古典民本思想的重要隐喻。

正如习近平主席特意说给世界听的：“水在中国文化中具有重要的象征意义。2000多年前，老子说‘上善若水，水利万物而不争’，意思就是说最高境界的善行就像水一样涓涓细流，泽被万物。”

老子对水有一种钟爱，他认为，最大的善德就如同水之德，能够默默利于世间万物而不与人争强争先。

زندگی انسان‌ها بدون آب ناممکن است. اندازه‌گیری‌های پزشکی نوین نشان می‌دهد که نسبت آب در بخش‌های اصلی بدن انسان عبارت است از: ۷۴.۵ درصد از مغز، ۲۲ درصد از استخوان‌ها، ۸۲.۷ درصد از کلیه‌ها، ۹۷ درصد از صفرا، ۷۵.۶ درصد از ماهیچه‌ها و ۸۳ درصد از رگ‌های خونی. آب ۷۰ درصد وزن کل بدن را تشکیل میدهد.

فیلسوفان چینی با مشاهده و بررسی «آب»، تفکر خود را درباره‌ی «قانون» بنا نهادند، به دیگر سخن، شکل و شمایل آب به عنوان یک ماده از طریق مشاهده و بررسی فیلسوفان، مبنای تفکر آنها در مورد قانون شده است. آب اساسی‌ترین «ساختار استعاری» مفهوم قانون، یعنی «استعاره‌ی پایه‌ای» است.


استعاره از «قایق آبی» و سیستم حقوقی

فیلسوفان چینی نه تنها مدل روش تفکر را از شکل «آب ساکن» ساختند، بلکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم طرح اولیه‌ی روابط سیاسی و حقوقی چین را از تامل در ویژگی‌ها و کیفیت «آب» پایه‌گذاری کردند. استعاره‌ی معروف «قایق آبی» که «آب هم می‌تواند قایق را به حرکت درآورد و هم می‌تواند آن را واژگون کند» نخستین الگوی رابطه میان یک حاکم و مردمش در اندیشه‌ی سیاسی و حقوقی چین است. این طرز بیان، نوعی پند و موعظه است که هشدار می‌دهد که حاکم و مردم باید در برابر چنین اتکای متقابل و وابستگی متقابلی قرار گیرند: حاکم نباید خواسته‌های مردم را نادیده بگیرد، مردم نیز باید از حکومت پادشاه خردمند پیروی کنند. این که آیا چنین رابطه‌ای می‌تواند ارزش‌گذاری شود یا نه، یک شاخص مهم برای قضاوت در مورد عاقل بودن یا نبودن یک حاکم است؛ همین‌طور اگر قانونی فقط به سود حاکم باشد، نه تنها حاکم نمی‌تواند از این امتیاز، سودی به دست آورد، بلکه به بحران سیاسی نیز می‌انجامد. «رابطه‌ی آب و قایق» رابطه‌ای است که هر دو طرف می‌توانند از آن سود ببرند و استعاره‌ی مهمی از تفکر باستانی مردم‌محور چین است.

همان‌طور که رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ به طور ویژه به جهانیان گفت: «آب در فرهنگ چینی، از مفهوم نمادین مهمی برخوردار است. «بیش از ۲۰۰۰ سال پیش، لائوتسه گفت «*上善若水，水利万物而不争*» این بدان معنی است که کمال مطلوب و والا مانند آب است؛ آهسته می‌چکد و جویباری تشکیل می‌دهد و تمام موجودات را بهره‌مند می‌سازد.

لائوتسه نوعی عشق به آب دارد؛ او معتقد است که بزرگترین فضیلت و کمال والا مانند آب است که می‌تواند بی‌سروصدا، همه‌ی موجودات جهان را بهره‌مند سازد، بدون اینکه با آن‌ها برای کسب قدرت و منفعت و برتری مبارزه کند.



علیرضا کاشانی اصل / کارشناسی ارشد مهندسی نفت 

آب جزء اصلی بدن انسان است، زیرا مقداری از ۵۰ تا ۷۰ درصد وزن انسان را تشکیل می‌دهد (بسته به اندازه‌ی بدن)؛ بنابراین مصرف کافی و منظم آب فواید زیادی برای سلامتی دارد. میزان آبی که انسان، روزانه می‌نوشد نقش مهمی در حفظ سلامت بدن دارد و به همین دلیل، متخصصان تغذیه نوشیدن ۸ تا ۱۰ لیوان آب در روز را توصیه می‌کنند. برای حفظ سلامتی و رطوبت بدن، آب به میزان قابل توجهی کمک می‌کند؛ این امر ضروری است، زیرا اکثر سلول‌های بدن برای عملکرد صحیح به آب نیاز دارند.

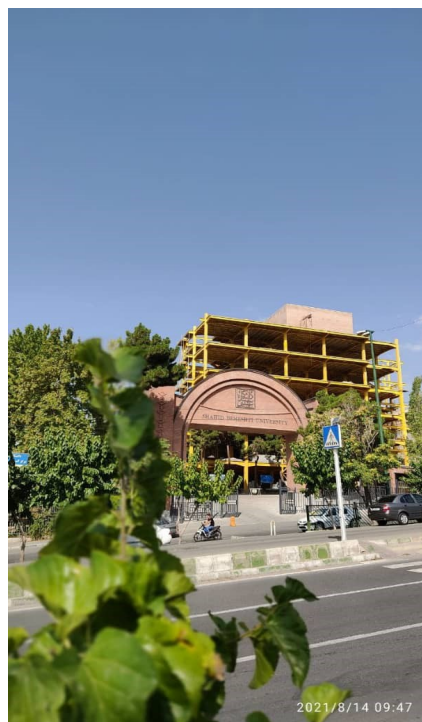
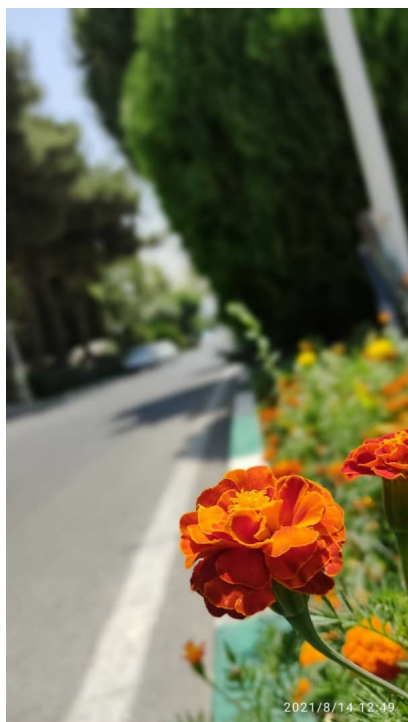
الماء هو المكون الأساسي للجسم البشري، حيث يشكل كمية تتراوح ما بين ۵۰ إلى ۷۰٪ من وزن الإنسان (و هذا يتوقف على حجم- الجسم)؛ لهذا فإن الاستهلاك الكافي والمنتظم من الماء له فوائد صحية عديدة، فكمية الماء التي شربها الشخص يوميا تلعب دورا هاما في الحفاظ على صحة الجسم، و لهذا يوصى خبراء التغذية بشرب ۸ إلى ۱۰ أكواب من الماء كل يوم للحفاظ على صحة جيدة، كما يساعد الماء على الحفاظ على رطوبة الجسم بشكل كبير، و هو أمر ضروري لأن أغلب خلايا الجسم تحتاج إلى الماء لتعمل بشكل صحيح.



عکس های شاه

عکس‌های شما...

فاطمه منصوری / کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه گیلان



شماره هفتم / اسفندماه ۱۴۰۰

